

شماره‌ی دو. زمستان ۱۳۹۷
این شماره ویژه‌نامه‌ی جدول

جیب



ویژه‌نامه‌ی جدول
شماره‌ی دو / زمستان ۱۳۹۷

قیمت نسخه‌ی پی‌دی‌اف: رایگان

قیمت نسخه‌ی چاپی: بستگی دارد چه کسی چاپ کند.

سردبیر: فاطمه اختصاری

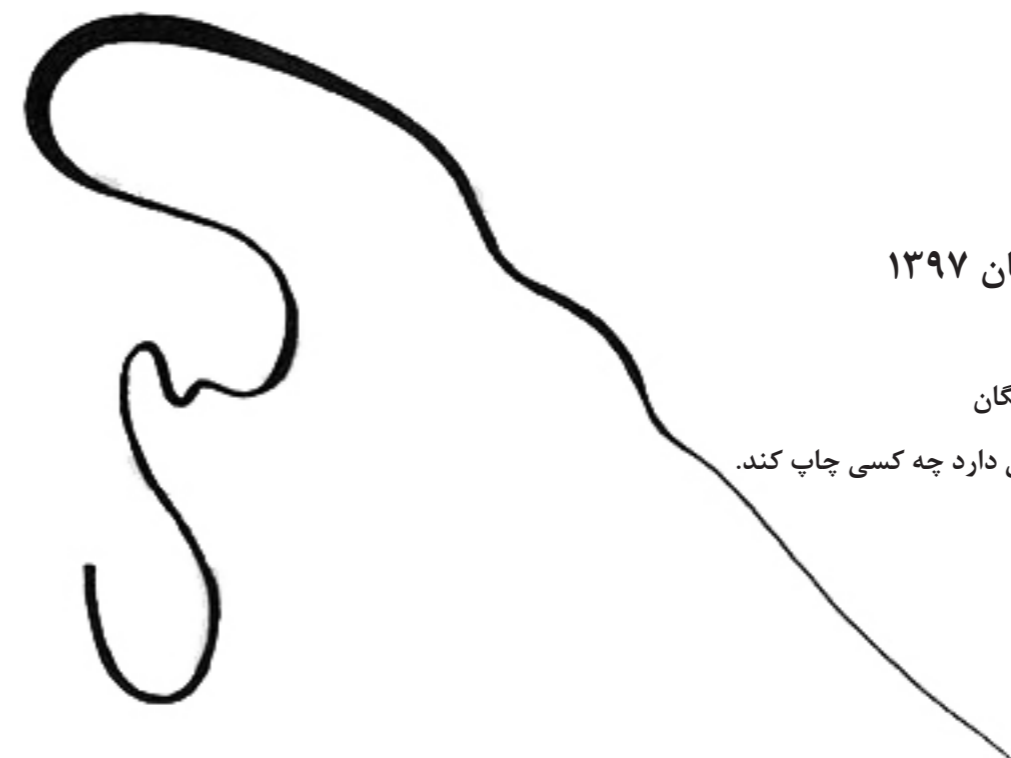
مدیر هنری: فاطمه اختصاری

ویراستار: مژگان حاجی‌زادگان

ناظر کیفی: سیدمهدی موسوی

و با تشکر از همه‌ی کسانی که در تهیه‌ی این ویژه‌نامه،

همراه ما نبودند و ما را تنها گذاشتند.



آدرس پستی نشریه: postmodern444@gmail.com

برای دریافت نشریه به صورت چاپی به پیج اینستاگرامی

بوکستاگرام (bookstagram)، تبعیدبوک (tabid_book) و

زیرزمین (zirzamin.book) مراجعه کنید. پیج‌های نامبرده جوایز

مجله را متقبل خواهند شد.

جایزه‌ی نفر اول: یک جلد کتاب نفیس به مبلغ ۱۰۰ هزار تومان

جایزه‌ی نفر دوم: خرید از پیج تبعیدبوک به مبلغ ۵۰ هزار تومان

جایزه‌ی نفر سوم و چهارم: به هر نفر یک سری از کتاب‌های «بت

بزرگ»، «تبر»، «شنا کردن در حوضچه‌ی اسید» و «مرده‌ای که مرده

بود یک نفس عمیق کشید» نوشته‌ی فاطمه اختصاری تقدیم می‌شود.

کسی موفق به دریافت جایزه می‌شود که بیشترین تعداد جدول را به

صورت درست حل کرده باشد. اگر شما موفق به حل کامل یک جدول

نشدید، ارسال آن بلامانع است و با توجه به درصد خانه‌های درست

حل شده، بخشی از امتیاز آن جدول را کسب می‌کنید. پس، هر تعداد

از جداول را که حل کردید، عکس بگیرید و به آدرس پستی نشریه

ارسال کنید.

حل صحیح کل جداول در شماره‌ی آینده‌ی نشریه منتشر خواهد شد.

شماره‌ی پیشین



۱۰ چگونه پست‌مدون باشم
۵ جدول گلستان
۳۱ موزیس اشتر
۵۱ جدول تضادف
۱۸ جدول وودی آلن
۲۰ جدول سیدحسینی
۲۱ جدول خورده‌ی فیلم
۳۱ جدول نغمه
۳۱ جدول غزل
۳۱ جدول دوربین
۲۱ جدول قلم
۲۱ جدول بیمل
۴۹ رمان در قوز
۲۵ جدول بچک
۵۵ جدول آبستره
۵۶ چلیک‌های شکسته
جدول چینه‌خانه

چگونه غزل پست‌مدرن باشیم

فاطمه اختصاری

شاید بپرسید حالا چرا ویژه‌نامه‌ی جدول؟! مگر مجلات جدول سطحی‌ترین بخش مواجهه‌ی مخاطب با ادبیات نیستند؟! چرا نشریه‌ای که هنوز پا نگرفته است و شماره‌ی دوم خود را عرضه می‌کند باید چنین مدیومی را انتخاب کند؟! چرا هر شماره به‌صورت ویژه‌نامه منتشر شده است و اگر نشریه، ادبی است، پس چرا یک شماره‌ی معمولی ندارد؟! اصلاً چرا اسم نشریه تغییر کرده است؟! مگر شماره‌ی یک آن با نام «میم» منتشر نشد؟! نشریه‌ای که با انتشار اینترنتی عرضه می‌شود چطور می‌تواند ویژه‌نامه‌ی جدول باشد؟! اگر کسی نتواند نسخه‌ی چاپی زیرزمینی آن را پیدا کند، چطور می‌تواند جدول‌ها را حل کند؟! آیا نشریه‌ای که لازم باشد آدم خودش شخصاً آن را پرینت کند، می‌تواند یک نشریه‌ی جدی باشد؟! اصلاً توی این دنیای مدرن و پرسرعت کی حوصله‌ی حل این جدول‌های سخت را دارد؟! چرا بعضی از سؤالات جدول این قدر طولانی است؟! مگر سؤال جدول جای مقاله یا معرفی شخصیت ادبی و فیلم و کتاب است؟! چطور باید از جواب درست حل جدول‌ها آگاه بشویم؟! اصلاً این نشریه هر چند وقت یک‌بار منتشر می‌شود؟!

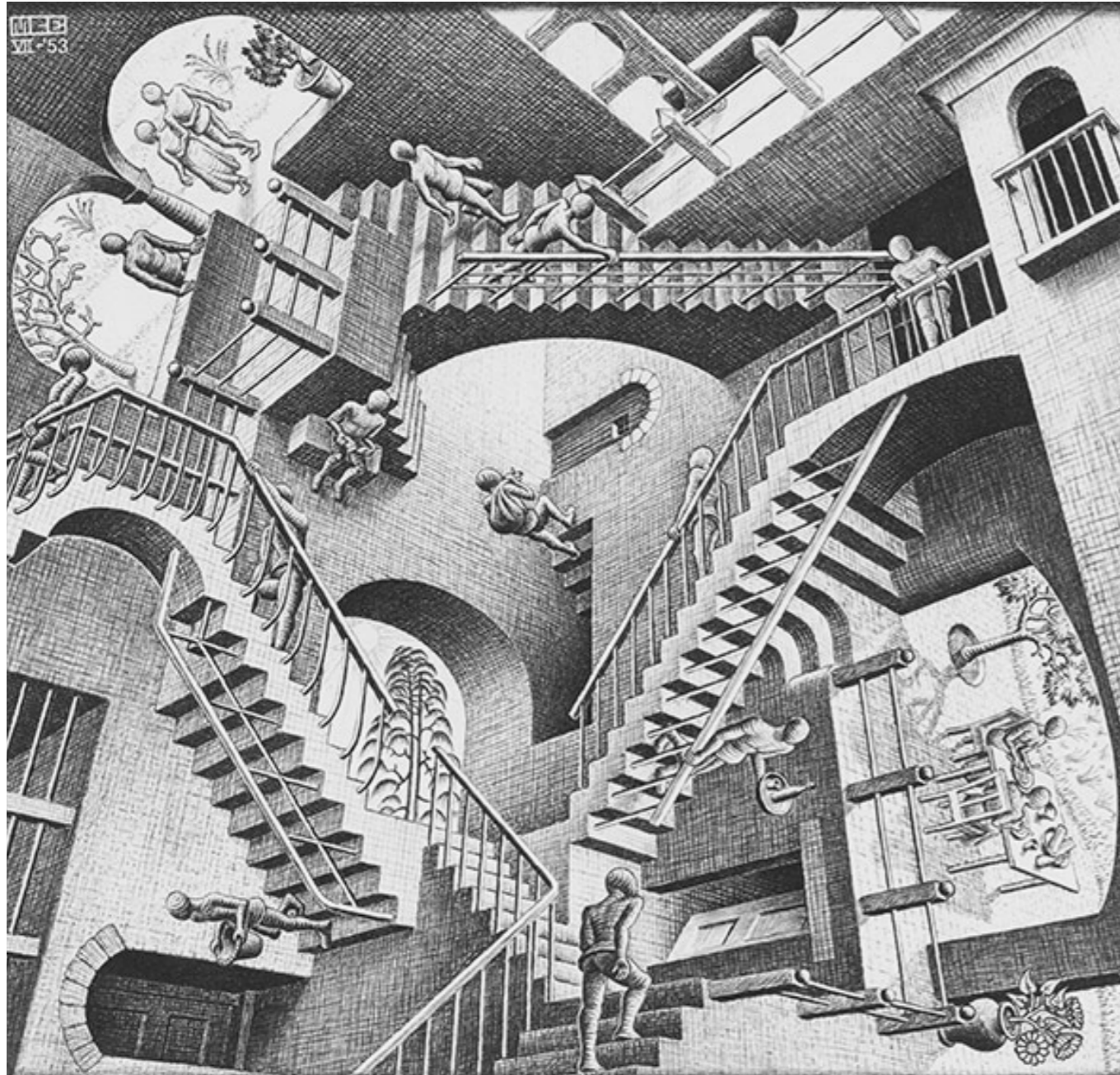
جواب همه‌ی این سؤالات دقیقاً خط‌مشی و برنامه‌های آتی این نشریه‌ی نوپا را مشخص خواهد کرد. نشریه‌ای که اسمش در هر شماره با توجه به محتوای آن عوض خواهد شد، زمان انتشار شماره‌ی بعدی‌اش مشخص نیست و شاید یک روز بعد از شماره‌ی دو، شماره‌ی سه منتشر شود و در کل قرار نیست هر بار با یک مجله‌ی شسته‌رفته و با قالب‌های پیش‌فرض مجلات ادبی روبرو بشوید.

جدول، قالبی است که مردم سال‌های سال است از آن به عنوان سرگرمی و پر کردن لحظات بی‌خود خود استفاده می‌کنند. ریختن مفاهیمی جدی‌تر در قالبی قدیمی و آشنا و به چالش کشیدن پیش‌فرض‌های جدول، از شکل آن گرفته تا نوع سؤالات، نمودی از «غزل پست‌مدرن» است. شاید ادعای سنگینی باشد، اما این نشریه، به‌نوعی مجله‌ی تخصصی غزل پست‌مدرن است و می‌تواند ادامه‌دهنده‌ی مجله‌ی «همین فردا بود» باشد که در سال‌های ۸۶ تا ۸۸ منتشر می‌شد و سپس لغو مجوز شد. اما صحبت از «غزل پست‌مدرن» در این نشریه، تنها به معنای بست و شرح مفاهیم و نظریات آن نیست، بلکه موجودیت این نشریه بیانگر «غزل پست‌مدرن» خواهد بود.

نشریه‌ی «میم»، «جیم»، «گاف»، «گاف»، «لاف»، «خین»،... یا هر چه اسمش خواهد بود، اکنون تنهاست. نه پشتیبان مالی دارد و نه به صورت کاغذی به‌راحتی قابل دسترسی است. اما امیدوارم با همکاری هر یک از شما که این سطور را می‌خوانید و دغدغه‌ی ادبیات دارید، بتواند راهی برای خود باز کند و صدای اگر چه گوش‌خراش، اما بلندتری باشد در این همه‌ها و شلوغی‌ها.

اگر ایده‌های خلاقانه‌ای برای شماره‌های بعدی نشریه دارید، اگر ادعای سرودن غزل پست‌مدرن دارید یا حتی اگر هیچ هنری ندارید، اما دوست دارید در نشریه به‌صورت داوطلبانه فعالیت کنید، از طریق ایمیل نشریه با ما در ارتباط باشید.

M.C. Escher- Relativity



جدول گلستان

طراح جدول: فاطمه اختصاری

افقی:

۱- مجموعه داستانی از ابراهیم گلستان - مذكر خار جکی
۲- نام کوچک فیلسوف بزرگ آلمانی که در ۲۶ سپتامبر سال ۱۸۸۹، در روستای مسکیرش (messkirche) در جنوب غربی آلمان و در دل کوهستان آلپ، متولد شد.

او از خود کتاب‌ها، رساله‌ها و درس‌گفتارهای فراوانی به یادگار گذاشت. کار دانشگاهی او با تدریس در رشته‌های یزدان‌شناسی کاتولیک و فلسفه در دانشکده‌ی فلسفه‌ی دانشگاه فرایبورگ در ۱۹۱۵ شروع شد، و با درس‌های مهمی درباره‌ی پدیدارشناسی، هرمنوتیک، زمان و بررسی نوآورانه‌ی تاریخ فلسفه، در دو دانشگاه فرایبورگ و ماربورگ، در سال‌های بعد، پیش رفت. در سال ۱۹۲۷ مشهورترین اثر فلسفی او با عنوان «هستی و زمان» منتشر شد. در آغاز دهه‌ی ۱۹۳۰ با بازنگری در شماری از مبانی کار فکری‌اش، راهی تازه در اندیشیدن به هستی را در پیش گرفت که پس از طی مرحله‌ای که به «دوران دگرگونی» مشهور شده، به دستاوردهایی جدید منجر شد. مهمترین متنی که در حکم جمع‌بندی آراء فلسفی او در نخستین دوره‌ی کار فکری‌اش به شمار می‌رود «هستی و زمان» است.

آنهایی که او را از نزدیک دیدند معتقدند که او آدم ساده‌ای بود و همواره خلق و خوی روستایی خود را حفظ کرد. مردی بود خوش‌مشرب، مهربان، مهمان‌نواز، کم‌حرف، مؤدب و عاشق پیاده‌روی و کوه‌نوردی. به گفته‌ی روستاییان، هیچ کس بهتر از او با کوه‌ها و جنگل‌های منطقه آشنا نبود. همواره با دانشجویانش به گردش در کوهپایه‌ها می‌رفت، با آنان نزدیک بود و رفتاری دوستانه داشت. بخش مهمی از زندگی‌اش یا در کلاس‌های درس گذشت یا در اتاق کارش در خانه‌ی فرایبورگ یا در کلبه‌ی روستایی‌اش. ورزش‌های اسکی و قایقرانی را بسیار دوست داشت، و در آنها ماهر بود. دلباخته‌ی فوتبال بود و به خانه‌ی همسایه‌ها می‌رفت تا از تلویزیون، مسابقه‌ها را تماشا کند (هرگز تلویزیون نخرید اما رادیو داشت). او به غذاهای محلی و شراب لیکور (نوشیدنی الکلی که برای مزه دادن به آن از میوه، خامه، گیاهان دارویی، ادویه، گل یا آجیل استفاده شده و شکر نیز به آن افزوده می‌شود). در منطقه بادن علاقه داشت. از آنچه در مورد او گفته‌اند برمی‌آید که به کلیسا نمی‌رفت و معلوم نبود که در پایان عمر به کدام آیین اعتقاد

داشت. آشکارا از هر بحث دینی طفره می‌رفت. حاضر جواب و بذله‌گو بود و هرچه پیرتر می‌شد بیشتر حالت مهربان و خندان می‌یافت. بیشتر عکس‌های آخرین سال‌های عمرش، او را با لبخند مشهورش نشان می‌دهند.

او در ۱۹۱۷ با یکی از شاگردانش به نام «الفرید پتری» ازدواج کرد و در سال‌های بعد دو پسرش به نام‌های یورگ و هرمن به دنیا آمدند. تعدادی از شاگردان مطرحش نظیر هانا آرنت، الیزابت بلوچمان و... با او رابطه‌ی عاشقانه و طولانی داشته‌اند. او در ابتدا با مذهب کاتولیک بزرگ شد و در یکی از حوزه‌های دینی درس خواند و می‌خواست کشیش شود که «نقد عقل محض کانت» را خواند و پس از مشاهده‌ی استدلال‌های کانت با او هم‌عقیده شد که براهین وجود خدا هیچکدام متقن نیست. بنابراین، به دانشگاه رفت و چندی علوم طبیعی و بعد فلسفه خواند و پس از آن، خود را «بی‌خدا» نامید.

او را باید در زمره‌ی فلاسفه‌ی پرسشگر معاصر به حساب آورد. همچنین بزرگ‌ترین متفکر معاصر مغرب‌زمین دانسته‌اند و این عظمت و بزرگی به طرح پرسش‌های جدی‌اش بازمی‌گردد. برخی معتقدند، طرفداری او از نازیسم و عضویتش در حزب ناسیونال‌سوسیالیسم آلمان در سال ۱۹۳۳ قطعی است و در دوران عضویت در حزب نازی، رویکردی پرفراز و نشیب نسبت به این حزب داشته است. برخی آثار و تألیفات او ناشی از این گرایشات سیاسی به نازیسم است. حتی پذیرفتن ریاست دانشگاه فرایبورگ را ناشی از این گرایش می‌دانند و عده‌ای این حرکت را برآمده از اصلی‌ترین اثر او یعنی «وجود و زمان» تفسیر می‌کنند و به تبع آن نیز وجود و زمان را اثری سیاسی‌فاشیستی می‌دانند.

از جمله رخداد‌های مهم زندگی او که متأثر از گرایشات سیاسی‌اش است، رفتارش نسبت به استاد خود «هوسرل» است. او از ۱۹۱۶ در محضر هوسرل به شاگردی پرداخت و در اوایل سال ۱۹۱۹، به‌عنوان دستیار استادش مشغول به کار شد. هوسرل نیز در حمایت از او، مقدمات تصاحب کرسی فلسفه دانشگاه فرایبورگ را برایش فراهم کرد تا پس از بازنشستگی خود، جانشینش باشد. این اتفاق در سال ۱۹۲۸، محقق شد. اما تقدیر آن بود که روی کار آمدن هیتلر در آلمان، رابطه‌ی استاد و شاگرد را دگرگون کند. اندک زمانی بعد که او ریاست دانشگاه فرایبورگ در سال ۱۹۳۳ را پذیرفت، مقامات دولت

نازی به تمامی کارکنان یهودی دولت از جمله اساتید وقت و بازنشسته‌ی دانشگاه فرایبورگ، بدگمان شدند و بنا به دستور، تمامی اساتید یهودی از دانشگاه‌های آلمان اخراج شدند. ادموند هوسرل هم با وجود اینکه قبلاً به مسیحیت گرویده بود، شامل این قانون شد. با این که او در این زمان رئیس دانشگاه فرایبورگ بود در برابر لغو امتیازات دانشگاهی استاد سابق خود (هوسرل)، عکس‌العمل خاصی نشان نداد و حتی روایت است که طبق دستور او از ورود هوسرل به داخل دانشگاه هم جلوگیری شد. پس از این ماجرا، تماس او با هوسرل قطع شد. پس از فوت هوسرل در سال ۱۹۲۸، او حتی در مراسم تدفین نیز شرکت نکرد و تلخ‌تر آنکه او که مهمترین کتاب خود تا آن زمان «هستی و زمان» را به هوسرل تقدیم کرده بود؛ در سال ۱۹۴۱ تحت فشار ناشر آثارش، پذیرفت تا عبارت تقدیم کتاب به هوسرل را از این کتاب حذف کند. او پس از تألیف چندین و چند کتاب تأثیرگذار و پرورش چندین شاگرد مطرح در فلسفه، در ۲۶ مه ۱۹۷۶ درگذشت. مراسم ترحیم و دفن او به درخواستش در مسکیرش در کلیسای مارتین قدیس انجام شد. - ماه دیروزی

۳- بره‌های رضا قاسمی می‌خوانند- نام کوچک نویسنده و استاد ادبیات کودک که او را مادر ادبیات کودک و نوجوان در ایران می‌نامند.

۴- بعضی‌ها می‌توانند صد تای آن را نانوشته بخوانند.- رمانی از نویسنده‌ی کتاب‌های «کریستین و کید»، «بره‌ی گمشده‌ی راعی» و «آینه‌های دردار»

۵- سال‌های تنهایی مارکز - میلیون - بوی چیزی در نم و تاریکی مانده

۶- شب آن فیلمنامه‌ای است از بهرام بیضایی. بر اساس آن فیلم «خط قرمز» به کارگردانی مسعود کیمیایی ساخته شده است - ارنست همینگوی با آن وداع کرده است

۷- پراکندگی - طولانی‌ترین رمان فارسی. قسمتی از کتاب:

«ما را مثل عقرب بار آورده‌اند؛ مثل عقرب! ما مردم صبح که سر از بالین ورمی‌داریم تا شب که سر مرگمان را می‌گذاریم، مدام همدیگر را می‌گزیم. بخیلیم؛ بخیل! خوشمان می‌آید که سر راه دیگران سنگ بیندازیم؛ خوشمان

۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱

می‌آید که دیگران را خوار و فلج ببینیم. اگر دیگری یک لقمه نان داشته باشد که سق بزند، مثل این است که گوشت تن ما را می‌جود. تنگ‌نظریم، ما مردم. تنگ‌نظر و بخیل. بخیل و بدخواه. وقتی می‌بینیم دیگری سرِ گرسنه زمین می‌گذارد، انگار خیال ما راحت‌تر است. وقتی می‌بینیم کسی محتاج است، اگر هم به او کمک کنیم، باز هم مایه‌ی خاطر جمعی ما است. انگار که از سر پا بودن همدیگر بیم داریم! نمی‌دانم؛ نمی‌دانم چرا این جور بار آمده‌ایم، ما مردم!» (صفحه‌ی ۱۵۴۲)

۸- شاعر و داستان‌سرای یونانی پیش از میلاد، که در پایان زندگی نابینا شده بود و از شهری به شهر دیگر می‌رفت و اشعار رزمی خود را با نوای چنگ می‌خواند. کتاب‌های او منبع اصلی آگاهی ما درباره‌ی اساطیر یونان به شمار می‌روند. - آن است که خود ببوید

۹- مترجم ایرانی تعدادی از آثار مارکز و یوسا که برادر وی نیز نویسنده‌ای نامی و سردبیر مجله‌ی کارنامه بود.- شاعر، نویسنده، مترجم و منتقد پرتغالی که او را جزو پایه‌گذاران مدرنیسم و همچنین پست‌مدرنیسم می‌دانند. او به شدت تحت تاثیر «خیام» بوده است. وی حداقل ۷۲ نام مستعار داشته است و شخصیت‌های متفاوتی از خود در اشعارش بروز می‌داده است. هر کدام از نام‌های مستعار او، از لحاظ بیوگرافی، ذهنی، فلسفی، سبک نوشتار و حتی امضا با دیگری متفاوت بوده است. شعری از او را پس از اتمام جدول بخوانید.

۱۰- نام خانوادگی خواننده‌ی آوازهای سنتی ایرانی که اولین زن خواننده‌ی ایرانی بود که صدایش ضبط شد و اولین زنی بود که در ایران بدون حجاب روی صحنه رفت. او عواید کنسرت‌هایش را صرف امور خیریه می‌کرد. «مرغ سحر» یکی از مشهورترین کارهای اوست. - هر یک از افاعیل عروضی که شامل چند هجا است.(حداکثر چهار و به ندرت پنج هجا)

۱۱- شایسته و سزاوار و همچنین مقیم و ساکن - سومین ماه سال میلادی که از نام خدای جنگ در یونان گرفته شده است. نوروز، روز جهانی زن، روز نجات یک عنکبوت و روز پی در این ماه واقع شده‌اند.

۱۲- نویسنده، نمایشنامه‌نویس و عکاس ژاپنی که از پیشگامان جریان آوانگارد در ژاپن بود. او را جزء نویسندگان پست‌مدرن به شمار می‌آورند. او به «کافکای ژاپن» معروف است.

۱۳- نویسنده‌ی افغانستانی خالق آناری چون «بادبادک‌باز» و «هزار خورشید تابان»، او نام کتاب خود را از این بیت صائب تبریزی برداشت کرده است:

حساب مه‌جبینان لب بامش که می‌داند

دو صد خورشیدرو افتاده در هر پای دیوارش

۱۴- خوشحالی - بخوان!

۱۵- نام لیدی رومن‌گاری - ترانه و موزیکی از «گونل» خواننده‌ی ترک - نام رمانی عشقی نوشته‌ی شارلوت مری ماتیسن

۱۶- زن جلال آل احمد این‌گونه بود - عموماً کتاب‌هایی مثل قرآن، مثنوی معنوی و شاهنامه‌ی فردوسی که در مجالس و محافل قرائت و خوانده می‌شوند، در این قطع هستند.

۱۷- کتابی نوشته‌ی فومی نوری ناکامورا که جایزه‌ی کنزابورو اوئه را از آن خود کرده است.- اثری از آگاتا کریستی

۱۸- مار- نام دیگر عیسی - تلخ

۱۹- لات و لوت‌های به غلط افتاده - حرف مفعولی

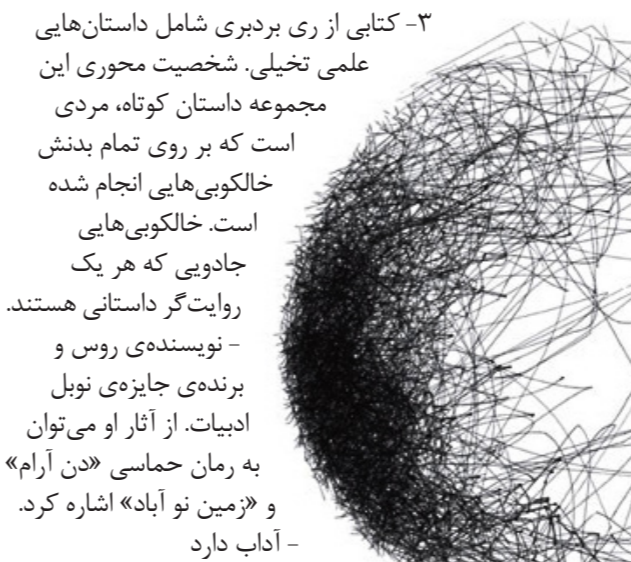
۲۰- درخت پر شکوفه - کلمهٔ تشبیه در مقام آگاه ساختن و خبردار کردن یا حتی تهدید و نهیب - پنهان

عمودی:

۱- فاتح قطب جنوب - به همراه شاهزاده نام رمانی تاریخی اثر مارک تواین است. - گلشیری نوع احتجاج و آنتوان دوستت اگزوپری نوع کوچولویی را داشت.

۲- نظرات - نوع جادویی‌اش متعلق به «امبرتو اکو» است - نفوذ به یک سیستم کامپیوتری - نویسنده‌ی ایرانی خالق رمان‌هایی چون «شب‌های تهران» و «خانه‌ی ادریسی‌ها». وی در مصاحبه‌ای با مجله‌ی گردون درباره‌ی خود چنین می‌گوید:

«دوازده، سیزده ساله بودم، دنیا را نمی‌شناختم. کی دنیا را می‌شناسد؟ این توده‌ی بی‌شکل مدام در حال تغییر را که دور خودش می‌پیچد و از یک تاریکی می‌رود به طرف دیگر. در این فاصله، ما بیش و کم رؤیا می‌بافیم، فکر می‌کنیم می‌شود سرشت انسان را عوض کرد، آن مایه‌ی حیرت‌انگیز از حیوانیت در خود و دیگران را. ما نسلی بودیم آرمان‌خواه. به رستگاری اعتقاد داشتیم. هیچ تأسفی ندارم. از نگاه خالی نوجوانان فارغ از کابوس و رؤیا، حیرت می‌کنم. تا این درجه وابستگی به مادیت، اگر هم نشانه‌ی عقل معیشت باشد، باز حاکی از زوال است. ما واژه‌های مقدس داشتیم: آزادی، وطن، عدالت، فرهنگ، زیبایی و تجلی. تکان هر برگ بر شاخه، معنای نهفته‌ای داشت…»



۳- کتابی از ری بردبری شامل داستان‌هایی علمی تخیلی. شخصیت محوری این مجموعه داستان کوتاه، مردی است که بر روی تمام بدنش خالکوبی‌هایی انجام شده است. خالکوبی‌هایی جادویی که هر یک روایت‌گر داستانی هستند. - نویسنده‌ی روس و برنده‌ی جایزه‌ی نوبل ادبیات. از آثار او می‌توان به رمان حماسی «دن آرام» و «زمین نو آباد» اشاره کرد. - آداب دارد

۴- دختر لری - تلف - چشم‌چران

- آش - در سیستم درجه‌بندی فیلم‌ها

در امریکا، این درجه نشان دهنده‌ی این است

که این فیلم‌ها برای بزرگسالان است و ممکن است حاوی کلمات

رکیک، خشونت، سکس و نمایش استعمال مواد مخدر و دخانیات

باشد.

۵- شهری اروپایی که کافه‌هایش پاتوق بسیاری از مشاهیر از جمله فروید، تروتسکی، استالین و هیتلر بوده است.- رمانی از ژوزه ساراماگو که در آن هیچ کدام از شخصیت‌ها نامی ندارند.- نام کوچک شاعر و درام‌نویس فوتوریست انقلابی روسیه که با شلیک گلوله به زندگی

خود خاتمه داد. او در یادداشتی نوشته بود:«برای همه… می‌میرم…»

۶- ضمیر وزنی - یکی از پرکارترین نویسنده‌های ایرانی.او در طول عمر ادبی‌اش در مشاغل گوناگونی همچون؛ معلم، کتابدار در دانشسرای تربیت معلم، کارشناس آزمون‌سازی در سازمان اداری و استخدامی کشور، مسئول اسناد قدیمی در سازمان اسناد ملی ایران و همچنین تدریس در دانشگاه، فعالیت کرده است. از جمله آثار منتشر شده‌ی او می‌توان به مجموعه داستان‌های «مسافرهای شب»، «گل‌های تماشا و گل زرد»، «درازنای شب»، «این شکسته‌ها»، و «نه آدمی نه صدایی» اشاره کرد. - سخن شیوا

۷- رمانی از صادق چوبک که بر اساس واقعیت نوشته شده و اسامی افراد نیز واقعی است. امیر نادری با تأثیر از این رمان فیلمی به همین نام ساخته است. - کتابی از عبدالحسین زرین‌کوب درباره‌ی نقد و تفسیر قصه‌ها و تمثیلات مثنوی. نام این کتاب از شعری از مولانا گرفته شده است.

۸- نام کوچک نویسنده‌ی «سفیدرفی»، «۶۰ داستان» و «۴۰ داستان». او را پدر داستان‌های پست مدرن می‌دانند. او در داستان‌هایش از اصطلاحات مخصوص و دست و پا شکسته، پانوشت‌های جعلی، کنایه‌های پوشیده و عمیق، خلاقیت‌هایی مختلف در چاپ، طنزهای معنی‌دار و گیرا و حکایات بی‌اعتدال و افراطی استفاده می‌کرد. نوشته‌های او در ابتدا بسیار گنگ و نامفهوم به‌نظر می‌رسد. دلیل این امر وجود اتفاقات نامربوط، پارگراف‌های پرت و بی‌ربط و بعضی مواقع تشابهات بدون شباهت و در کل یک عدم انسجام کلی در متون وی است. - از نویسندگان نسل سوم ادبیات داستانی ایران. او داستان‌نویسی را از کارگاه‌های رضا براهنی آغاز کرده و برنده‌ی جایزه‌ی گلشیری برای مجموعه داستان خود شده است.

۹- داستان بلندی از کریستوفر فرانک، نویسنده‌ی فرانسوی، که در آن یک ضدآرمان‌شهر را به تصویر می‌کشد و فضایی مشابه رمان ۱۹۸۴ جورج اورول دارد. قسمتی از کتاب:

«به تو یاد خواهند داد که هر وقت تنها شدی از ترس فریاد بکشی، یاد خواهند داد که مثل بدبخت‌ها به دیوار بچسبی، یاد خواهند داد که به پای رفقایت بیفتی و کمی گرمای بشری گدایی کنی. یادت خواهند داد که بخواهی دوستت بدارند، بخواهی قبولت داشته باشند، بخواهی شریکت باشند. مجبورت خواهند کرد که با دخترها بخوابی، با چاق‌ها، با لاغرها، با جوان‌ها، با پیرها. همه چیز را در سرت به هم می‌ریزند، برای اینکه مشمئز شوی. مخصوصاً برای اینکه از امیال شخصی‌ات بترسی. برای این‌که از چیزهای مورد علاقه‌ات استفراغت بگیرد. و بعد با زن‌های زشت خواهی رفت و از ترحم آن‌ها بهره‌مند خواهی شد و همچنین از لذت آن‌ها. برای آنها کار خواهی کرد و در میانشان خودت را قوی حس خواهی کرد و گله‌وار به دشت خواهی دوید، با دوستانت، با دوستان بی‌شمارت. و وقتی مردی را ببینید که تنها راه می‌رود، کینه‌ای بس بزرگ در دل گروهیتان به وجود خواهد آمد و با پای گروهیتان آنقدر به صورت او خواهید زد که چیزی از صورتش باقی نماند و دیگر خنده‌اش را نبینید، چون او می‌خندیده است…»

- اندرونی - راه و روش کار

۱۰- نام کوچک شاعر و مدرس دینی قرن سیزده قمری. دختر او

طاهره قره‌العین است که شاعر و از بزرگان آیین بابی است. غزلی منسوب به طاهره:

گر به تو افتدم نظر، چهره به چهره، رو به رو

شرح دهم غم تو را، نکته به نکته، مو به مو

از پی دیدن رخت، همچو صبا فتاده‌ام

خانه به خانه، در به در، کوچه به کوچه، کو به کو

می‌رود از فراق تو، خون دل از دو دیده‌ام

دجله به دجله، یم به یم، چشمه به چشمه، جو به جو

دور دهان تنگ تو، عارض عنبرین‌خطت

غنچه به غنچه، گل به گل، لاله به لاله، بو به بو

ابرو و چشم و خال تو، صید نموده مرغ دل

طبع به طبع، دل به دل، مهر به مهر و خو به خو

جام سقراطی - قوزی‌اش متعلق به صادق هدایت بود

۱۱- فرید - جزء کاملی از یک فیلم که معادل فصل در ادبیات است - دوست - نام خانوادگی نویسنده، مجسمه‌ساز و نقاش آلمانی برنده‌ی جایزه‌ی نوبل ادبیات. رمان «طبل حلبی» او نمونه‌ی برجسته‌ی سبک رئالیسم جادویی در اروپا به شمار می‌رود. قسمتی از کتاب:

«عادت کرده بود که وقتی دیگران دست تکان می‌دهند او هم بدهد و وقتی دیگران فریاد می‌کشند یا می‌خندند یا کف می‌زنند، او هم همین کارها را بکند و همین‌جور بود که به آن زودی به حزب وارد شد.»

دکه‌ی سیگارفروشی

شاعر: ۹ افقی جدول گلستان

ترجمه‌ی جلال سلیمی

چیزی نیستم

چیزی نخواهم شد

نمی‌خواهم چیزی بشوم.

با این همه تمام رؤیاهای جهان در من است.

پنجره‌های اتاقم:

اتاق یکی از آن میلیون‌ها نفری که کسی چیزی درباره‌اش نمی‌داند (گیرم که دانستند، چه چیزی دستگیرشان می‌شود؟) شما

به راز خیابانی باز می‌شوید که مردم پیوسته در آن در آمد و شدند، خیابانی خالی از هر وهم و گمان، واقعی و مسلم، ناباورانه واقعی، ناآگاهانه مسلم، با اسراری که زیر سنگ‌ها و هستی‌ها در جریان است، با مرگی که دیوارها را مرطوب و موی آدم‌ها را سفید می‌سازد، با تقدیری که در کار راندن واگن هر چیزی است در جاده‌ی نیستی. امروز شکست خورده‌ام همچون کسی که حقیقت را دریافته باشد امروز روشن و صافم همچون کسی که با مرگ رودرو شده باشد و افزون بر یک وداع سرسری نسبتی با اشیاء نداشته‌ام، این بنا و این سمت خیابان صف درازی می‌شود از واگن‌های قطاری با صدای سوتی که مدام در سرم می‌پیچد، و حاصل این رفتن تکانه‌ای است در اعصاب و غرغزۄی در استخوان.

تصویر سیگارفروشی در کتابخانهٔ آنتونیو گامبوس، مکزیک، ۱۹۵۰. این تصویر توسط فرانسیسکو سیکسوس ساخته شده‌است.

امروز سردرگم و گیجم همچون کسی که در حیرت و مکاشفه و فنا باشد.

سیگارفروشی در خیابان کوباک، مکزیک، ۱۹۵۰.

امروز دو پاره شده‌ام

بین صداقت معطوف به واقعیت بیرونی

دکه‌ی سیگارفروشی آن طرف خیابان

و صداقت معطوف به واقعیت درونی احساسم که می‌گوید

همه چیز اما یک رؤیاست.

در همه چیز عاجز مانده‌ام.

از آن زمانی که هدفی نداشته‌ام

شاید همه چیز به راستی هیچ چیز بوده است.

چه چیزی عایدم شد؟

زمانی که از پنجره پشتهی خانه‌ام پایین پریدم

با امیدهای بزرگ به بیرون از شهر رفتم

اما تمام آنچه یافتم چمن بود و درخت‌ها

مردم هم آنجا بودند همان مردم همیشگی

همان مردمی که مثل مردم دیگر بودند.

از کنار پنجره عقب می‌کشم و روی صندلی می‌نشینم.

حالا به چه چیزی باید فکر کنم؟

وقتی نمی‌دانم چه هستم، از کجا بدانم چگونه خواهم بود؟

آیا اندیشه‌ام بودن است؟ من اما به خیلی چیزها بودن می‌اندیشم!

و چه بسیار مردم که همچنین می‌خواهند همه چیز باشند

پس همه چیز بودن محال است!

نبوغ؟ در این لحظه صدها هزار ذهن خود را نابغه می‌پندارند درست مثل من!

و تاریخ -که می‌داند؟- از یک تن نیز نام نخواهد برد.

و فتوحات خیالی چیزی جز انبوه فضولات نخواهد بود!

نه، من به خود باور ندارم.

تمام تیمارستان‌ها پر از دیوانه‌هایی است با یقین‌های قطعی

و من بی‌باور آیا کسی هستم که کم و بیش از آن‌ها محق‌ترم؟

نه، من چنین…

در این لحظه، در چند اتاق زیر شیروانی یا جاهای دیگر دنیا نوابغی‌اند که در رؤیای خیال‌پرداز خودند؟ چه آرزوهای نجیب و عالی و درخشان آری، به راستی نجیب و عالی و درخشان و شاید هم تحقق‌پذیر،

که هرگز نور واقعی آفتاب را نخواهند دید و گوش شنوایی در مردم نخواهند یافت! دنیا از آنِ آن‌هایی است که برای فتح آن زاده شده‌اند نه از آن کسانی که خیال فتح آن را در سر داشته‌اند هر چند که سزاوار باشند!

رؤیاهایی در سر داشته‌ام بیشتر از آنچه ناپلئون داشت. بسی بیشتر از مسیح، انسانیت را در سینه‌ی خیالی‌ام جای داده‌ام. پنهانی فلسفه‌هایی بافته‌ام که کانت ابدأ نوشت من اما، همان ساکن اتاقک زیر شیروانی هستم و همواره خواهم بود حتی اگر آنجا زندگی نکنم؛

من همیشه کسی خواهم بود که برای این زندگی زاده نشده؛

من همیشه کسی خواهم بود که استعدادی در خود دارد؛

من همیشه کسی خواهم بود که کنار دیوارِ بی در، در انتظار گشوده شدن در به سر می‌بَرَد؛ کسی که ترانه‌ی لایتناهی را در آشیان ماکیان خواند و صدای خدا را از درون چاه سرپوشیده شنید.

باور به خودم؟ نه، به هیچ وجه بگذار طبیعت بریزد بر سر بیقرارم

خورشیدش را، بارانش را، و بادی که موهایم را آشفته سازد،

و دیگران، خود داندند اگر که بیایند یا نیایند.

ما اسیران دلخسته‌ی ستارگان، پیش از ترک رختخواب‌مان تمام عالم را فتح می‌کنیم،

بیدار که می‌شویم گنگ و مبهمیم،

از جا که برمی‌خیزیم ناشناس و بیگانه‌ایم،

خانه را که ترک می‌کنیم تمام کره‌ی زمین را ترک می‌کنیم

و همچنین منظومه‌ی شمسی را و کهکشان راه شیری و بی‌نهایت را.

(شکلات بخور، دخترک؛

شکلات بخور!

بین در این دنیا متافیزیکی دیگر به جز شکلات نیست.

باور کن آموزه‌های تمام ادیان بیشتر از دکان قنادی نیست.

بخور، دخترک ژولیده، بخور!

کاش می‌توانستم مثل تو به سادگی شکلات بخورم!

اما وقتی ورق نقره‌ای دور شکلات را می‌گم تا پوسته‌ی کاغذی آن نمایان شود،

می‌اندیشم:

همه‌چیز را به زمین پرت می‌کنم،

درست مثل زندگی‌ام که دورش انداخته‌ام.)

اما دست‌کم از تلخی آنچه هرگز نخواهم بود، خطوط عجلانه‌ی این اشعار به جای مانده است رواقی ویران رو به سوی محال.

اما دست کم تحقیر بی‌ملامت به خود

هدیه می‌کنم،

دست‌کم با ژست باشکوه دست، وجودم

را مثل لباس چرک دور می‌اندازم،

بی‌هیچ ترتیبی سیر اشیاء ادامه دارد،

و من در خانه می‌مانم بی پیراهنی بر تن.

(تو، تسلی‌ده، بی‌هستی و بسیار تسلی‌ده،

تو الهه‌ی یونانی، تراشیده چون تندیس زنده،

تو اشراف‌زاده‌ی رومی، نجیب و بیچاره

تو شاهدخت خنیاگران، افسونگر و آراسته،

تو مارکیز سده‌ی هجدهم، دِکولته‌پوش و منزوی،

تو فاحشه‌ی اسم و رسم‌دار نسل پدرامان،

تو یک چیز مدرنی شاید -نمی‌دانم چه هستی-

هر چه هستی یا هر چه می‌خواهی باش، اما اگر می‌توانی الهام دهی الهام‌گر من باش!

قلب من یک سطل خالی شده است.

مانند آدم‌هایی که به ارواح متوسل می‌شوند من نیز به خود متوسل می‌شوم اما چیزی در خود نمی‌یابم کنار پنجره می‌روم خیابان را در وضوح مطلقش می‌بینم. مغازه‌ها را می‌بینم، پیاده‌روها را می‌بینم، ماشین‌های گذران را می‌بینم،

وجودهای زنده ملبسی را می‌بینم که از مقابل هم می‌گذرند،

و سگ‌ها را می‌بینم که مثل هر کسی هستی دارند،

و تمام اینها بار سنگینی می‌شود بر دوشم همچون حکم تبعید،

و همه چیز بیگانه است مثل هر چیز دیگر.)



من زندگی کردم، درس خواندم، عاشق شدم، حتی ایمان آوردم،

و امروز هیچ گدایی نیست که به او حسادت نکرده باشم، بدان سبب که او مثل من نیست.

به کهنه‌پاره‌ها و زخم‌ها و دروغ‌های هر یک که می‌نگرم

به خود می‌اندیشم: شاید هرگز هیچکدام را انجام نداده‌ای، نه زندگی، نه خواندن، نه عشق، نه ایمان (چون در حقیقت انجام هر کاری ممکن و در عین حال ناممکن است.)

شاید وجودت تنها چون مارمولکی باشد که دمش را کنده‌اند،

دمی کنار مارمولک در حال پیچ و تاب.

یک تصویر از یک مجموعهٔ تصاویر کلاسیک از پائولو پستوم، ۱۹۵۰.

من ندانسته چیزی‌هایی ساختم نه چندان مفید،

وانگهی چه چیزهای دیگر می‌توانستم بسازم؛ حال که از انجامش ناتوان بودم.

با ماسکی که پوشیدم به قیافه‌ی دیگری

در آمدم

و خود را بی‌درنگ کسی دیگر شناختم

نتوانستم انکار کنم که در خود گم شدم.

آنگاه که کوشیدم ماسک را در آورم،

دیدم به صورتم چسبیده است.

دست آخر آن را در آوردم و خود را در آینه نگاه کردم،

از درون پیر شده بودم.

مست بودم، نمی‌خواستم بدانم چگونه

لباسی را بپوشم که

از تن در نیاورده بودمش.

ماسک را در صندوقچه خواباندم

درست مثل سگی که صاحبش لوسش کرده باشد

چرا که این چنین بسا بی‌آزار است.

و من که اینک این داستان را می‌نویسم؛ می‌خواهم ثابت کنم که آدم اصیلی هستم.

تصویر سیگارفروشی در خیابان کوباک، مکزیک، ۱۹۵۰.

ای جوهر موسیقایی اشعار بی‌فایده‌ام

آه اگر تنها می‌توانستم تو را بنگرم چون چیزی که خود ساخته‌ام

به جای چهره‌ی همیشگی سیگارفروش آن طرف خیابان

زیر پا می‌نهادم هوشیاری هستی را

مثل فرشی که مستی روی آن سکندری خورده باشد

یا پادری بی‌ارزشی که کولی‌ها دزدیده باشند.

تصویر سیگارفروشی در خیابان کوباک، مکزیک، ۱۹۵۰.

اینک سیگارفروش به سوی در می‌آید و همانجا می‌ایستد.

خم می‌شوم و با ناراحتی نگاهش می‌کنم

آمیخته با رنج نیمه‌پریشان روحم.

او هم می‌میرد، من هم می‌میرم.

او تابلو سردر مغازه‌اش را ترک خواهد گفت و من شعرهایم را.

سرانجام نه نشانی از نشان او خواهد ماند نه نشانی از شعرهای من.

سرانجام خیابانی که تابلو در آن است خواهد مرد

و زبانی که شعرهایم را در آن می‌نویسم.

آنگاه سیاره‌ی گردان، جایی که این‌ها همه در آن اتفاق می‌افتد خواهد مرد.

در سیاره‌های دیگر از سیستم‌های سماوی دیگر موجوداتی شبیه انسان‌ها چیزهایی خواهند گفت شبیه شعر و زیر چیزهایی زندگی خواهند کرد شبیه تابلو.

همیشه یکی با دیگری مواجه می‌شود.

همیشه چیزی به بی‌فایده‌گی چیز دیگر است.

همیشه محال مانند واقعیت احمقانه است.

همیشه راز درون به اندازه راز بیرون حقیقی است.

همیشه این یکی یا همیشه آن دیگری، یا نه این یکی نه آن دیگری.

مردی داخل دکه‌ی سیگارفروشی شده است (آیا می‌خواهد سیگار بخرد؟)

و ناگهان واقعیت دلفریب بر من آوار می‌شود.

با نیم‌خیزی از روی صندلی به خود می‌آیم -پرتوان، مطمئن، انسان‌وار- سعی می‌کنم این‌ها را به شعر در آورم هر چند عکسش را گفته باشم.

همچنان که به نوشتن آن‌ها می‌اندیشم سیگاری روشن می‌کنم،

و در آن سیگار، مزه‌ی آزادی از تمام افکارم را می‌چشم.

دود سیگار را همچون دنباله‌ای از خود تعقیب می‌کنم

و لذت می‌برم، از لحظه‌ای حساس و مناسب

که از تمام پندارها رها می‌شوم

و آگاه از اینکه متافیزیک نتیجه‌ی منطقی فقدان یک احساس خوب است.

آنگاه برگشته روی صندلی می‌نشینم

و به سیگار کشیدن ادامه می‌دهم.

زمانی دراز به سیگار کشیدن ادامه خواهم داد

تقدیر اگر بگذارد.

(اگر با دختر زن رختشو ازدواج می‌کردم

شاید الان خوشبخت بودم.)

از روی صندلی بلند می‌شوم، کنار پنجره می‌روم.

مردی از دکه‌ی سیگارفروشی بیرون می‌آید (آیا سکه‌ها را در جیب شلوارش می‌ریزد؟)

آه، آن مرد را می‌شناسم: او «استیوز» است بی‌هیچ متافیزیک.

(سیگارفروش دم در آمده است.)

تحت غریزه‌ی غیبی «استیوز» سر بر می‌چرخاند و مرا می‌بیند.

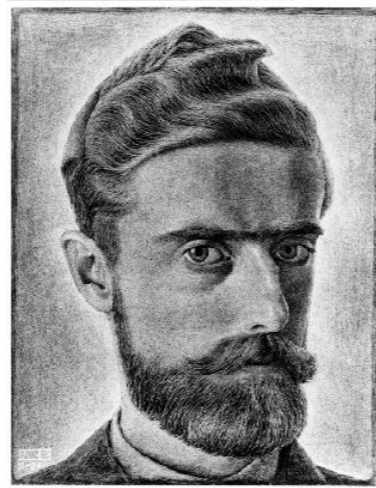
دست تکان می‌دهد: سلام

داد می‌زنم: سلام «استیوز!»

و جهان خود را در من شکل می‌بخشد

بی‌هیچ آرمان و امید

و سیگارفروش لبخند می‌زند.



موریس اشِر

M.C. Escher

موریس کرنلس اشِر، هنرمند گرافیک‌کار هلندی و متولد ۱۷ ژوئن ۱۸۹۸ است.

او آثار ماندگاری از حکاکی روی چوب، چاپ سنگی و قلم‌زنی سایه‌روشن خلق کرده است که در اغلب آنها از محاسبات ریاضی الهام گرفته است. شهرت وی در جهان نیز به خاطر آثار ملهم از ریاضی اوست.

ویژگی کارهای او، استفاده از اشکال و عملیات ریاضی است. از جمله اشیای غیرممکن (اشیائی که از نظر فیزیکی وجودشان غیرممکن است ولی در نگاه اول فقط عجیب به نظر می‌رسند. و در دنیای واقعی بعضی از این اشیا ممکن است در اثر خطای چشم، دیده شوند)، اکتشاف بی‌نهایت، انعکاس، تقارن، پرسپکتیو، بریدن یا امتداد اضلاع و زوایای چندوجهی‌ها، هندسه‌ی هذلولی، موزائیک‌کاری و مانند آنهاست.

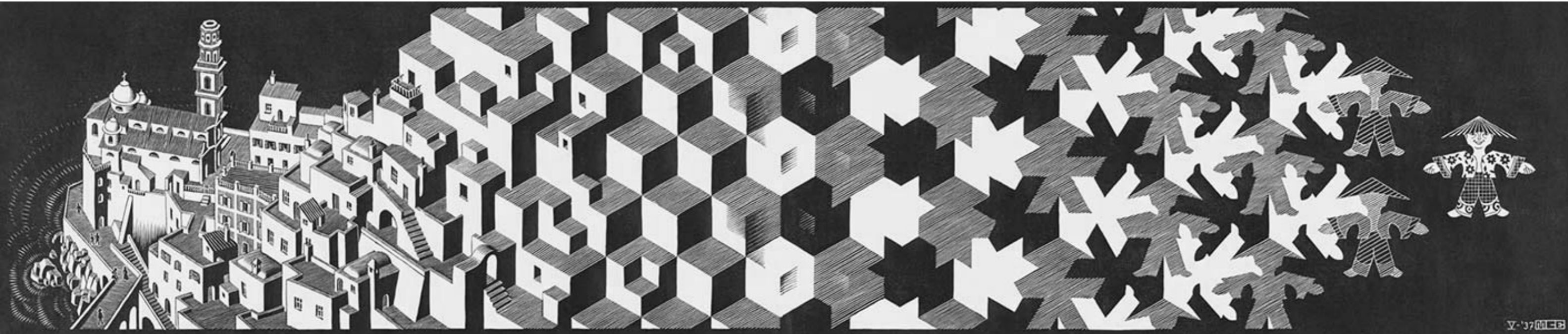
آثار اولیه‌ی او از طبیعت الهام می‌گرفت. مطالعه‌ی حشرات، مناظر، گیاهانی مثل گل‌سنگ‌ها، نظر اشِر را به خود جلب می‌کرد. همه‌ی این عناصر به عنوان جزئیات در آثار هنری او مورد استفاده قرار گرفته است.

اشِر دانش‌آموخته‌ی رشته‌ی طراحی در هارلم و طرح‌های ابتدایی‌اش تأثیرپذیرفته از استادش «جسرون دمسکیتا» بود. اما پس از سفر به ایتالیا و اسپانیا و برخورد با معماری و کاشی‌کاری‌های الحمرا و مسجد جامع قرطبه، بیشتر به ساختار ریاضی علاقه‌مند شد، و تمرکز بیشتری در به تصویر کشیدن ایده‌های شخصی‌اش یافت.

از آثار معروف او می‌توان به «دستانی که نقاشی می‌کنند»، «آبشار» و «نسبیت» اشاره کرد. از آثار او در انواع مقالات فنی استفاده می‌شود و کارهایش بر روی جلد بسیاری از کتاب‌ها و آلبوم‌ها نقش بسته‌است. او یکی از منابع الهام عمده «داگلاس هافستادر» در نگارش کتاب «گودل، اشِر، باخ» در سال ۱۹۷۹ بود.

اشِر در مارس ۱۹۷۲ در سن ۷۳ سالگی در «بارن» هلند درگذشت. تعدادی از آثار او را می‌توانید در این مجله مشاهده کنید.

M.C. Escher- Metamorphosis I





جدول وودی آلن

طراح جدول: عاطفه اسدی

وی، آنیما در ضمیر ناهشیار مرد به صورت یک شخصیت درونی زنانه جلوه‌گر می‌شود و آنیموس در ضمیر ناهشیار زن به صورت یک شخصیت درونی مردانه پدیدار می‌شود.

۸- کیفی نیست - گرم کردن دست‌ها با بخار دهان

۹- باران نرم و ریز - شب‌هایش را با رؤیای پنبه‌دانه سحر می‌کند.

۱۰- نام خانوادگی بازیگر زنی که از همکاری‌هایش با «وودی آلن» می‌توان به فیلم‌های «اسکوپ» و «ویکی کریستینا بارسلونا» اشاره کرد.

۱۱- ششمین فیلم بلند «دیوید فینچر» که بر اساس رمانی از «رابرت گری اسمیت» ساخته شده است.

۱۲- «ترز» را به ابتدایش اضافه کنید تا نام کتابی از «امیل زولا» نویسنده و روزنامه‌نگار فرانسوی به دست بیاید. این کتاب نخستین بار در سال ۱۸۷۱ منتشر شد.

کن سال ۱۹۹۵، نامزد بهترین فیلم کوتاه سال شد. - راز - سست و تنبل

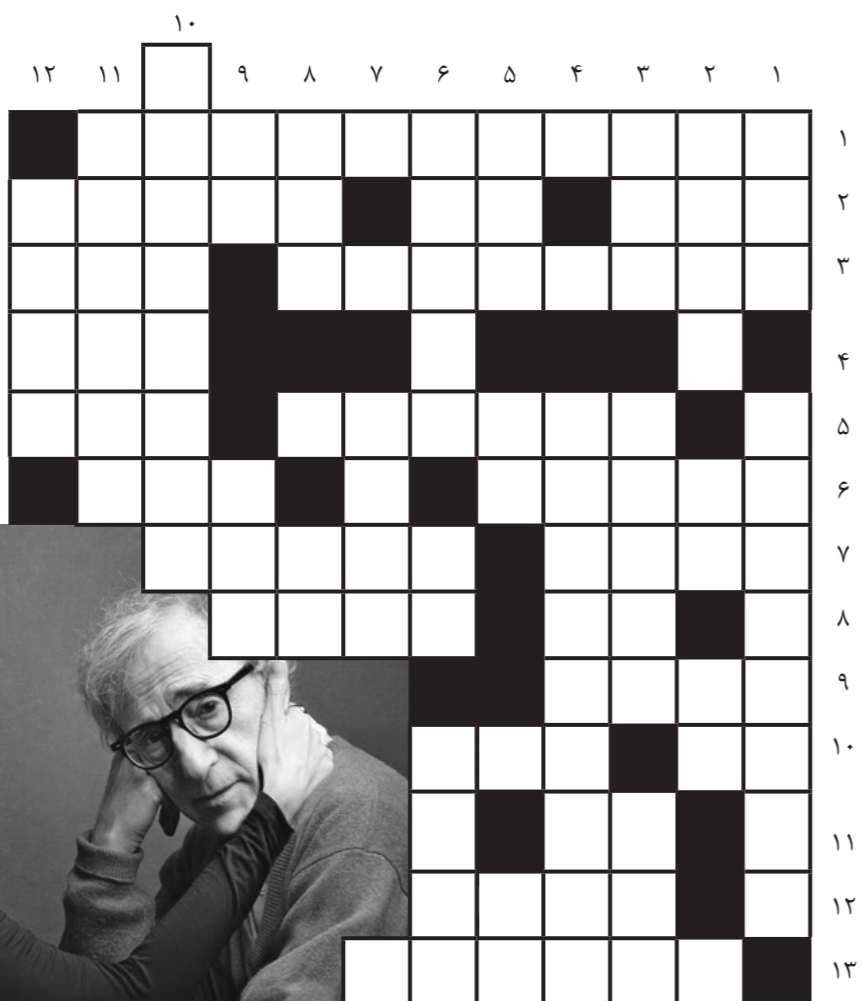
۳- کلمه‌ی وعید و تهدید - به عروسک‌گردانی گفته می‌شود که اهل مناطق آذربایجانی‌نشین است و با تکان دادن عروسکی چوبی و تزئین‌شده از یک بز نر، به نوروزخوانی می‌پردازد. - زاهد و دیندار

۴- نام خانوادگی واقعی «وودی آلن»

۵- شستشوی انگلیسی - گفتگوی کوتاه - بعضی ظاهرش را می‌بینند و بعضی پیچشش را

۶- محل فیلمبرداری که در استودیو یا بیرون از آن قرار دارد و دکورها در آنجا بسته شده و آماده‌ی فیلمبرداری است - من و تو - جورچین

۷- فیلسوف و روانپزشک سوئیسی. از آثار او می‌توان به کتاب «انسان در جستجوی هویت خویشتن» و «انسان و سمبول‌هایش» اشاره کرد. او در آثار خود به آنیما و آنیموس اشاره می‌کند که در بخش ناهشیار ذهن افراد نقشی کلیدی ایفا می‌کنند. بر اساس گفته‌های



افقی

۱- بازیگر زن اسپانیایی که با فیلم «خامون خامون» به کارگردانی «بیگاس لونا» وارد سینما شد و با فیلم «آسمان وانیلی» به کارگردانی «کامرون کرو» که در آن با «تام کرو» هم‌بازی بود، به شهرت رسید.

۲- آوا و آهنگ - خاندان - معروف و شناخته‌شده

۳- نقطه‌ای در طرح قصه که معمولاً پس از نقطه‌ی اوج داستان رخ داده و باعث گشایش گره افکنی‌های قبلی شده و سرنوشت قهرمان و انتهای داستان را معلوم می‌کند. - نوعی از تقلید

۴- نام کوچک خواننده‌ی جوان آمریکایی که بیشتر به خاطر حضور در گروه «پاپ راک جوناس برادرز» شناخته می‌شود.

۵- از شیوه‌های ادبیات داستانی و نمایشی که ممکن است بیانی از واگویی‌های درونی شخصیت در تنهایی‌اش باشد و یا شکلی بیرونی داشته باشد که با صدایی مشخص، برای شنوندگان روایت می‌شود. - از دیدنی‌ها

۶- نام فیلمی به کارگردانی «وودی آلن» محصول سال ۲۰۰۶ که «هیو جکمن» نقش اول مرد آن را به عهده دارد. - نام فیلمی به کارگردانی «رابین دیویس» محصول سال ۱۹۸۲ که «آلن دلون» و «کاترین دنو» در آن به ایفای نقش پرداخته‌اند.

۷- نوازنده‌ی مشهور کلارینت، که «وودی آلن» بعد از ورود به تلویزیون، نام کوچک او را بر خود نهاد. - فیلمی محصول سال ۱۹۷۹ به کارگردانی «وودی آلن» که در آن با «مریل استریپ» هم‌بازی شد. ۸- چه چیز؟ - عصاره‌ی جلبک قرمز که در تهیه‌ی محیط کشت میکروبی کاربرد داشته، و به خاطر خاصیت ژله‌ای خود می‌تواند

جایگزینی گیاهی برای ژلاتین، نگهدارنده‌ی مربا، و غیره باشد. ۹- نام فیلمی از «وودی آلن» و با بازی خود او، که در آن شخصیت اصلی به دنبال میل به حل شدن میان جمع، مانند آفتاب‌پرست تغییر ظاهر می‌دهد. «میا فارو» از دیگر بازیگران این فیلم است.

۱۰- نوعی خاک در گروه ریزدانه‌ها که در ساختمان‌سازی و آجرسازی از آن بسیار استفاده می‌شود - نام فیلمی به کارگردانی «مورا استفنز» که «دارن آرنوفسکی» تهیه‌کنندگی آن را به عهده داشته و «لینا هیدی» ملکه‌ی لنیستری سریال «بازی تاج و تخت»، در آن به ایفای نقش پرداخته است.

۱۱- اگر یک خال به آن بچسبانیم، ویروسی خواهد ساخت که می‌تواند در نواحی مختلف بدن، خودش را به شکل تاول‌های ریز نشان دهد. ۱۲- لقبی که همکلاسی‌های دوره‌ی دبیرستان «وودی آلن»، به خاطر رنگ موهایش به او داده بودند.

۱۳- بخشی از نام فیلمی به کارگردانی «جان تورتورو» که «وودی آلن» و «شارون استون» در آن به ایفای نقش پرداخته‌اند. ریشه‌ی اصلی این کلمه، فرانسوی است.

عمودی

۱- بعد از «پینگ» می‌آید - یکی از صور فلکی جنوبی، که همسایه‌ی صورت فلکی «سه پایه» است.

۲- اسم کوچک کارگردانی اهل ترکیه که نخستین بار با ساخت فیلم کوتاه و بدون دیالوگ «پبله» به شهرت رسید. این فیلم در جشنواره‌ی

۱- حرف اول مکتبی که پیوسته از قلمرو انتقاد گریزان است و ماهرانه خود را از تشریح و توصیف نجات می‌دهد. -مجسمه‌ی «سوگ مریم» و «داوود» از آثار مشهور اوست. -به همراه نشر یکی از صنایع ادبی است.

۲- سازنده‌ی واژه‌ی «فرهنگ». او «فرهنگ» را در مقابل «انارشی» قرار می‌دهد. عمده شهرت او به خاطر کتاب «فرهنگ و هرج و مرج» است که می‌توان آن را از نخستین آثار در زمینه‌ی مطالعات فرهنگی به حساب آورد. - یکی از نت‌هاست

۳- در پزشکی سوراخ کردن با سوزن یا چاقو را می‌گویند. - سیزدهمین حرف از الفبای عبری- نام شهری که در کتاب‌های دینی از آن به عنوان شهر لواط‌کاران یاد می‌شود. - یکی از حروف الفبا

۴- از بنیانگذاران هنر پاپ. او می‌گوید «در آینده هر کسی برای ۱۵ دقیقه به شهرت جهانی خواهد رسید». والری جین سولاناس، فمنیست رادیکال امریکایی پس از تلاش ناموفق برای قتل او به شهرت رسید. - کارل مارکس، دین و مادلین ماری‌اهر، بیس‌بال را به آن تشبیه می‌کند.

۵- قومی ایرانی که نزدیک به ۶ درصد جمعیت ایران را تشکیل می‌دهد. - یکی از حروف الفبا- نام کوچک بازیگر انگلیسی سینمای هالیوود که در فیلم‌هایی چون باشگاه مشت‌زنی، سوئینی‌تاد، آلیس در سرزمین عجایب و هری پاتر ایفای نقش کرده است. - حرف اول نشریه‌ی ادبی فرهنگی که به سردبیری پرویز ناتل خانلری آغاز به کار کرد.

۶- زبان‌شناس و نظریه‌پرداز ادبی که یکی از بنیان‌گذاران مکتب زبان‌شناسی پراگ به شمار می‌رود. او بر این باور است که در هر

دوره‌ای یک ویژگی ادبی بر سایر ویژگی‌های ادبی غلبه دارد. همچنین در هر اثر ادبی، یک عنصر بر سایر عناصر غلبه دارد و سایر آن عناصر، تابعی از آن عنصر غالب هستند. اصطلاح «امر غالب» اولین بار توسط او به کار رفت- بچه‌ی بچه

۷- حرف اول نام خانوادگی یکی از تاثیرگذارترین نقاشان مدرن فرانسوی و جنبش هنری پست امپرسیونیسم. او را پدر هنر مدرن می‌دانند. - عنوان شغلی در دربار دوره‌ی صفوی و امپراتوری عثمانی که به سرپرست شاهزادگان صفوی و عثمانی اطلاق می‌شده است. مقام این شغل همیشه در اختیار قزلباش‌ها بوده و آنها نسبت به تصدی آن حساسیت بسیاری داشته‌اند. - عقدی که به موجب آن شخصی، مالی را برای وثیقه یا ضمانت به شخص دیگر می‌دهد. - پسوند تصغیر

۸- کارگردان فیلم‌هایی مثل «مخمصه» و «دشمن مردم»- نوعی ساز که قسمتی از اسم یکی از آثار پابلو پیکاسو در سبک کوبیسم است.

۹- یک روش تغذیه و زندگی است که هدف آن حذف هر نوع محصول حیوانی چه در غذا و چه در مواد مصرفی است. این واژه اولین بار توسط «دونالد واتسون» ابداع شد. - یکی از قبیله‌های ژرمنی شرقی که در قرن پنجم میلادی به سرزمین امپراطوری روم وارد شدند، در همان سده به مناطق گل‌ها، اسپانیا، رم و شمال آفریقا تاختند و بخشی از تمدن این کشورها را نابود کردند. بر همین اساس کسی که گرایش به تخریب اموال عمومی، فضای سبز، جاده‌ها، دیوارها و... داشته باشد را به این نام می‌خوانند.

* «در طراحی این جدول، از کتاب «مکاتب ادبی» نوشته‌ی رضا سیدحسینی استفاده شده است.»



ناتل خانلری

مه‌د کود ک و کود کستان فرشتگان
مجهز به پزشکی و مربیان تعلیم و تربیت و تلویزیون مدار بسته ۶۸۳۹۴۴ و ۶۸۵۰۷۰

آمریکن تاکسی
شبانه‌روزی ۲۳۸۹۴۰ - ۲۳۷۸۲۹
۳۳۶۹۷۸

شمیران رزق‌تاکسی
سرویس شبانه‌روزی ۲۷۵۲۵۶ - ۲۷۷۳۸۵

گالری فرش صفا
خریدار بهترین قالی و قالیچه کهنه و نو جهت صادرات میدان محمديه (خیام) تلفن ۵۲۶۳۹۶

کلین سرویس پاکزا

خشکشویی فرش- مبیل- موکت کلیه کفپوشها باواکس با آخرین تکنیک در محل تمیزتر و ارزاتر با انضمام نقاشی ساختمان واکلیه تزئینات ۸۵۳۹۹۵



ناوارا خشکشویی مبلمان. پرده، موکت و نظافت کلی ساختمان تلفن ۸۵۷۵۲۴

لیدر هوم آمریکا
خشکشویی مبلمان، فرش، موکت و فروش موکت و نصب هر نوع تزئینات منزل بهتر و ارزاتر ۸۵۳۷۸۰ - ۸۵۶۵۳۰

سازمان آموزشی ۲۵ شهریور

برای کلاسهای حسابداری، دفترداری، منشیگری، آی.بی.ام ماشین‌نویسی، هم‌روزه ثبت‌نام مینماید. خیابان آذربایجان بین خوش و رودکسی ساختمان ۲۵ شهریور تلفن ۹۵۹۰۱۲

رایسبون
اجاره پارچه‌های خارجی خرید و فروش ۶۵۵۱۳۷ - ۶۵۵۴۳۶

نمایشگاه و فروشگاه پرده‌فروزنده
فروشنده بهترین پارچه‌های استیل، مبیل، موکت مطابق با آخرین مد‌های روز نمایشگاه پرده‌فروزنده در خدمت مردم تهران و شهرستانها خیابان پهلوی بین اسپارو هتل و ویکتوریا ۸۹۵۸۹۳ - ۸۹۴۸۷۷

تزیینات اعرابی
نصب کفپوش موکت کاغذ دیواری آگوستیک پرده و نقاشی ساختمان و کارهای تزیینی تلفن ۹۵۵۴۴۴

با ۳ تومان
باروزی ۳ تومان منزل خود را با انواع کاغذ دیواری، پرده کرکره، موکت و کفپوش تزئین فرمائید.

جنرال تاکسی
کرایه هر نوع اتومبیل شبانه‌روزی ۷۳۰۰۷۷

آمریکن سرویس
خشکشویی مبلمان، موکت فرش، پرده، تشک اتومبیل نظافت و پولیش پارکت و زمین و نقاشی ساختمان ۸۴۲۱۱۱

گالری فرش شایان
بهترین خریدار قالی و قالیچه کهنه و نو جهت صادرات کاخ بین‌شاه و شاه‌رضا ۶۶۱۰۶۹

فرش الیاس
خریدار فرشهای نو و کهنه شماست ۳۰۱۰۵۰

قالیشوئی زمرد ۹۲۱۷۷۴
آرش تاکسی سرویس
کرایه اتومبیلهای لوکس و تشریفاتی شبانه‌روزی تلفن ۹۲۵۹۹۲ - ۹۲۹۵۴۷

قالیشوئی شمس
با اصول مذهبی کمر می‌دهد ۲۳۴۲۸۷ - ۵۹۲۹۴۷

تعمیرگاه مجاز تلو زونهای کتی و سایه و سفید شاپو بلورنس - گروندیک بلا پونکت - آستن رنگی سیاه و سفید ۳۷۲۵۲۸
قالی شوئی ایران دویج
در ظرف ۲۴ ساعت ۳۵۹۵۸۴ - ۳۵۵۱۴۹ - ۳۵۰۵۴۵

تعلیم پیا نون خصوصی
تلفن ۸۵۲۵۷۸
قال قهوه
میثا مخصوص بانوان ۹۷۹۰۶۵

قال قهوه و ایندنه‌نگری توسط مادام‌رزا تلفن ۸۳۱۶۵۸

حلفا تا کسی
شبانه‌روزی تلفن‌های: ۲۳۳۸۰۱ ۲۳۳۰۷۹ ۲۳۳۰۸۰

لباس عروس
خیابان پهلوی جنب سینما اتلاتیک نیش کوچه خورشید

عروس تهران
تعمیر و نصب آبگرمکن نفتی و گازی و کولر و شوفاژ با تضمین شبانه‌روزی ۷۶۷۴۷۳

فرش خندان
خریدار قالی و قالیچه کهنه و نو جهت صادرات تلفن ۲۳۶۳۰۱

پانیون شبانه‌روزی شیرین

پانیون شبانه‌روزی شیرین با برنامه‌های خاص آموزشی زبان، کلاس موسیقی، نمایش فیلم، استخر با تعلیم شنا و سایر تسهیلات بهتر آماده ثبت نام می‌باشد. عباس‌آباد- پالیزی مقابل ابانک ملی تلفن ۲۳۴۲۲۹

باروزی ۳ تومان
کاغذ دیواری، پرده کرکره، موکت و تزیینات و نقاشی ۶۶۱۵۲۴

سرویس شهریور
بزرگترین خشکشویی مبلمان، فرش، موکت، پرده و تعمیر کرکره فوری تلفن ۷۳۸۲۲۲

قال قهوه توسط خانم صدا تلفن ۶۳۲۶۴۶
قال قهوه بانوان ۶۳۴۰۹۱
مادام‌راشل
قال قهوه تلفن ۸۵۰۷۲۳

قال قهوه مادام‌گیتی (مخصوص بانوان) امیریه مختاری کوچه مقابل مطب دکتر پور مهر کوچه اقبال شماره ۲۱

قال قهوه
مخصوص بانوان با وقت قبلی تلفن ۷۶۳۹۸۰

پاکتان
انجام کلیه امور نظامتی نقاشی ساختمان ۸۲۴۵۸۱ شستشوی فرش و موکت در محل

دکورا سبون حمد
حتی جمعه‌ها هم کاشی کاغذ-موکت- ۶۸۴۹۵۴

نقاشی، موکت، کاغذ دیواری خیابان فوری ایران دکور ۸۵۷۵۴۹

پانیون کودک زهره و نیر
شبانه‌روزی آموزش ترنم ۸۵۰۰۰۴

قالیشوئی پاک
شستشو با اصول مذهبی تعمیر پارگی و پوسیدگی و لکه‌گیری تلفن ۵۵۱۵۰۶

پانیون کودک لیلا
شبانه‌روزی پهلوی مقابل کوروش ۸۹۳۳۴۶ - ۸۹۴۸۵۶

برای تهیه و ام‌درماتل و سفید کنی از کپسول‌های با ناماس کبریه ۶۶۶۲۶۳ - ۶۶۰۲۰۰

مونس‌سازان
موسسه تخصصی تعمیرات و نقاشی ۷۵۱۷۸۲ - ۷۵۲۳۵۸

جدول فروغ

طراح جدول: فاطمه اختصاری

• برای حل جدول پیش رو، باید کلمات مشخص شده در ابیات را در خانه‌های جدول جا بدهید.

خشک آمد کشتگاه من،
در جوار کشت همسایه،
گرچه می‌گویند: «می‌گریند روی ساحل
نزدیک،
سوگواران در میان سوگواران»
قاصد روزان ابری، داروگ! کی می‌رسد باران؟
(نیما یوشیج)

ز قعر چاه توان دید در ستاره و ماه
گر این فنا بپذیری بقا توانی یافت
(شهریار)

حروف: مبدا و فعل‌اند و

فعل: آب و درخت
و سبزه و لبخند
و طفل مدرسه و سیب
سیب سرخ خدا
من این عفونت رنگین را
به آب همه‌م خواهد شست
که واژه‌های من از دریا می‌آیند
و هم به دریا می‌پویند
کجای اطلس تاریخ را
تو می‌خواهی
به آب حرف بشویی؟
(شفیعی کدکنی)

مسیحای جوان مرد من
ای ترسای پیر پیرهن چرکین
هوا بس ناجوانمردانه سرد است... آی...

دمت گرم و سرت خوش باد
سلامم را تو پاسخ گوی، در بگشای!
(مهدی اخوان ثالث)

چه دشوار است
تماشای قرص ماه
به تنهایی
(عباس کیارستمی)

- این جا چه می‌دهند؟ بگو
- لابد که تحفه‌ای ست، بایست
- آخر، چه چیز؟ هر چه که هست
قطعا بدون فایده نیست
- شاید که فیل رفته هوا!
- آری، ولی اگر نرود،
یک مو ز خوس کندن ما
امروز کار حضرت کیست؟!
(سیمین بهبهانی)

وزشی می‌گذشت

و من در طرحی جا می‌گرفتم،
در تاریکی ژرف اتاقم پیدا می‌شدم.
پیدا، برای که؟
او دیگر نبود.

آیا با روح تاریک اتاق آمیخت؟
عطری در گرمی رگ‌هایم جابه‌جا می‌شد.
حس کردم با هستی گمشده‌اش مرا می‌نگرد
و من چه بیهوده مکان را می‌کاوم:
آنی گم شده بود.

(سهراب سپهری)

در دام‌های جذبه، چشم‌های مار
دنبال کلاف‌های پیچیده را می‌خزد
در جذبه‌های دام آخر مار
بی‌جذبه‌های چشم
از پوست می‌گریزد
(یدالله رؤیایی)

ز انگشت آرز، دامن تقوا سیه مکن
این جامه چون درید، نه شایسته‌ی رفوست
(پروین اعتصامی)

من یقین دارم
که گردش گنج این همه پرگار
تنها تکرار بی‌پایان تاریکی است
و تکرار، باطل است
و تاریکی، باطل است
و تکرار تاریکی
باطل اباطیل است
(سیدعلی صالحی)

با دلی ثابت به گرد شهر سیارم هنوز
گرچه بار زلف صد معشوقه بر دوش من است
(مهدی سهیلی)

بخز در لاکت ای حیوان! که سرما
نهانی دستش اندر دست مرگ است
مبادا پوزه‌ات بیرون بماند
که بیرون برف و باران و تگرگ است
(مهدی اخوان ثالث)

خواست انگاسی ابله که به ده

زودتر برگردد از جای رمه
بی‌خبر از ره دوراندیشی
از رفیقان، همه، گیرد پیشی
دید آن ابر سبک‌خیز ترک
از خر اوست بسی تیزترک
از فراز کمر کوه بلند
جست و پا بر سر آن ابر افکند
(نیما یوشیج)

مهر

هـ

ب

ا

ش

قصه‌ی ماتم من هر چی که بود، هر چی که هست
قصه‌ی ماتم قلب خسته‌ی یه آدمه
وقت خوابه، دیگه دیره، نمی‌خوام قصه بگم
از غم و غصه برات هر چی بگم باز کمه
(ایرج جنتی عطایی)

من پشیمان نیستم

من به این تسلیم می‌اندیشم
این تسلیم دردآلود
من صلیب سرنوشتم را
بر فراز تپه‌های قتلگاه خویش بوسیدم
(فروغ فرخزاد)

چه بگویم؟ چگونه تکلم کنم در این طلسم؟
چگونه بازگردم به آب‌های سایه؟
اکنون که درخزیده‌ام از خواب
(منوچهر آتشی)

شبی بیدار خواهم شد
شتاب آلوده، در گودال دستم آب خواهم خورد

ن

هجوم ماهیان تشنه را از یاد خواهم برد
نهالی تازه در من ریشه خواهد کرد
و بازوی بلند شاخسارش را
به دور گردن من حلقه خواهد کرد
(نادر نادرپور)

برو از ماه فراگیر دل‌افروزی
برو از مهره بیاموز درخشانی
(پروین اعتصامی)

چگونه از باد و باران می‌آمد
و بر گرمی اجاق جای می‌گشاد
دستی که ترکه‌های به ناحق خورده بود!
(هوشنگ چالنگی)

این اشک و هق‌هق
گریه‌ی مردی پشیمان نیست
مردان نسل ما
با گریه می‌خندند
(نصرت رحمانی)

ببین آن کهنه‌الدنگ قلندر

نموده نوحه‌ی جمهوری از بر

عجب جنسی ست این!
الله اکبر

گهی عرعر نماید چون خر نر

زمانی پاچه گیرد چون سگ **هار**

ولی غافل ز گردن‌بند و افسار

دریغ از راه دور و رنج بسیار

(ملک الشعرای بهار)

در من هزار حرف نگفته

هزار درد نهفته

هزاران هزار دریا

هر لحظه در تپیدن و طغیانند

در من هزار آهوی تشنه

در خشکسال **دشت** پریشانند

(اردلان سرفراز)

من زنده بودم اما انگار مرده بودم

از بس که روزها را با شب شمرده بودم

یک عمر دور و **تنها**… تنها به جرم اینکه

او سرسپرده می‌خواست من دل سپرده بودم

(محمدعلی بهمنی)

مگر هنوز به خاطر، تو را خیال من است

که هر کجا به زبان تو شرح حال من است؟

(سیمین بهبهانی)

مردم از درد و نمی‌آیی به بالینم
هنوز

مرگ خود می‌بینم و **رویت** نمی‌بینم
هنوز

(رهی معیری)

من سال‌های سال

در حسرت شنیدن یک نغمه‌ی نشاط

در آرزوی دیدن یک شاخسار سبز

یک چشمه، یک درخت

یک باغ پر شکوفه، یک آسمان صاف

در دود و خاک و آجر و **آهن** دویده‌ام

(فریدون مشیری)

دست می‌کشم جدار غار را

می‌رمانم از شکاف‌های خیس

موش را

مار را

می‌زنم به گرده‌ی سکوت

تسمه‌ی هوار را

(منوچهر آتشی)

که فکر می‌کند به من و عمق دردها

زل می‌زند به **آلت** جنسی مردها!

زل می‌زند به این‌همه تکرار پشت هم

زل می‌زند به غم، همه‌ی زندگیش غم!

(سیدمهدی موسوی)

عشق من

آب‌ها لنز **مورب** دارند

آدمو وارونه ثبتش می‌کنند

عکسمون تو آب برکه تا قیامت می‌مونه

(حسین پناهی)

نخستین که در جهان دیدم

از **شادی** غریو بر کشیدم:

«هنم، آه

آن معجزتِ نهایی

بر سیاره‌ی کوچکِ آب و گیاه!

(احمد شاملو)

تویی جواب **سؤال** قدیم بود و نبود

چنانچه پاسخ هر چون و هر چرا که تویی

(حسین منزوی)

انیشتین ناز شست تو!

نشان دادی که جرم و جسم چیزی جز انرژی نیست

اتم تا می‌شکافد جزو جمع عالم بالاست

به چشم موشکاف اهل عرفان و تصوّف نیز

جهان ما حباب روی چین آب را ماند

(شهریار)

من از جهان بی‌تفاوتی فکرها و حرف‌ها و صداها می‌آیم

و این جهان به لانه‌ی ماران مانند است

و این جهان پر از صدای حرکت پاهای مردمی ست

که همچنان که تو را می‌بوسند

در ذهن خود **طناب دار** تو را می‌بافند

(فروغ فرخزاد)

عمر من دیگر چون مردابی‌ست

راکد و ساکت و آرام و خموش

نه از او شعله کشد موج و شتاب

نه در او نعره زند خشم و خروش

(مهدی اخوان ثالث)

طاقت فرسودگی‌ام هیچ نیست

در پی ویران شدن آنی‌ام

(محمدعلی بهمنی)

دفتر کوچک نقاشی من!

داخل هر برگت

طرح یک موج کشیدم با رنگ

گفته بودم شاید

بتوانم دریا را بکشم

(سلمان هراتی)

آخرین لاک‌پشت راه افتاد

اسب شیبه کشید در دل باد

ماند ساکت، قناری آزاد

بعد، روباه سهم بز را داد

جفت‌گیری گوسفند و الاغ

(سیدمهدی موسوی)

از دور، می‌فریفت دل تشنه‌ی مرا

چون بحر، موج می‌زد و لرزان چو آب بود

وانگه که پیش رفتم، با شور و التهاب

دیدم **سراب** بود!

(هوشنگ ابتهاج)

آنچه خوبان همه دارند تو **یکجا** داری!

بی‌سبب نیست که در کنج دلم جا داری

(فریدون مشیری)

فال ورق درخت جدیدی را

در شیب باغچه‌ها می‌کاشت

بادی وزید و نظم ورق‌ها را،

آشفته کرد

ویرانه‌ای برجای مانده‌ام

می‌سوزم

(رضا براهنی)

کجاست جای تو؟ - از آفتاب می‌پرسم -

سؤال روشن ما را جواب لازم نیست

ز پشت پنجره برخیز تا به کوچه رویم

برای دیدن تصویر، **قاب** لازم نیست

(قیصر امین‌پور)

برای این فراموشی دنبال نام نگرد

پنهان و پیدای اندوه **یک**ی است

تدوین گریه با همان چشم‌هایی است

که بر اشیاء از هوش می‌روند

(هرمز علی پور)

چه‌سان به کوه دماوند بندها بگسست

چه‌سان فرود آمدند

اساس سطوت بیداد را چه‌سان گسترده؟

چو برق آمد و چون رعد

چه‌سان به خرمن آزادگان شرر انداخت

چه پشته‌ها که ز کشته

ز کشته کوهی ساخت

(حمید مصدق)

به خیره گوش مخابان، از این سوی دیوار

صلای سَمّ سمندانِ شهسواران را

سوارِ سبزِ تو هرگز نخواهد آمد، آه!

به **خیره** خیره مبر رنج انتظاران را!

(حسین منزوی)

قمار عاشقان بردی ندارد، از نداران پرس

کس از دور فلک دستی نبرد، از بدبیاران پرس

(شهریار)

در قلّه‌های **بی‌کسی‌ام** خوبم!

اینجا که ابرهای رها هستند

لبخند می‌زنم که از این بالا

مردم شبیه مورچه‌ها هستند

(سیدمهدی موسوی)

چه بگویم؟

چگونه بگویم؟

بر خاکی که سم‌ها

نوبت به سکون نمی‌دهند

و عشق، کبوتر تنهایی است

دور افتاده

از چاهسار خود

چه ببینم؟ چگونه ببینم؟

در آسمانی که آبی، درخت منقرضی است

و ماه

چکاوک بی‌رنگی به حاشیه‌ی آفاق

آویخته به سقف **بلوری** آوازش

(منوچهر آتشی)

من و تو این **هجا** را می‌شناسیم

زبان واژه‌ها را می‌شناسیم

سکوت از جنس فریاد است اینجا

چه خوب این هم‌صدا را می‌شناسیم

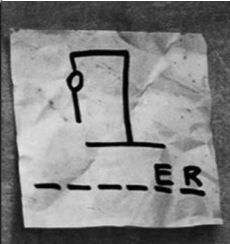
(محمدعلی بهمنی)

برای آنکه نگویند، جسته‌ایم و نبود

تو آنکه جسته و پیداش کرده‌ام، آن باش

(حسین منزوی)

ف	م	م	ف	ص	ل	ک	ر	گ	د	ن
ر	ه	و	ا	ن	و	ر	د	ا	ل	م
ی	ا	ر	ر	ن	ی	ر	ا	ز	ا	ن
د	ج	ه	س	ا	م	ل	ت	د	ه	ز
ا	ر	ش	ت	ت	ی	ن	ر	ر	ی	ش
ش	ا	ه	گ	و	ش	ت	و	ش	ن	و
ا	ی	ر	ا	ب	ک	ی	ه	ن	ا	خ
ه	س	ه	م	ی	م	و	ن	ا	م	ی
ل	س	ا	پ	ر	ی	ت	ب	د	ی	و
ی	ن	ز	ت	ش	ه	ب	ه	ب	ل	ب
ر	ا	ز	گ	ر	ز	ب	د	و	ک	ر



جدول خورهای فیلم

طراح جدول: فاطمه اختصاری

• نام فیلم‌های مشخص شده را در جدول به صورت افقی، عمودی و مورب پیدا کرده و روی آنها خط بکشید. خانه‌های باقی‌مانده، نام فیلمی را خواهند ساخت که رمز جدول است.

- آنی هال (فیلمی به کارگردانی «وودی آلن» که برنده‌ی چهار جایزه‌ی اسکار شد.)
- پری (فیلمی به کارگردانی داریوش مهرجویی که اقتباسی از رمان «فرانی و زویی» و داستان کوتاه «یک روز خوش برای موزماهی»، نوشته‌ی «جروم دیوید سالینجر» است.)
- فارست گامپ (فیلمی به کارگردانی رابرت زمکیس که برنده‌ی شش جایزه‌ی اسکار شد.)
- گوشت و شن (فیلمی به کارگردانی الخاندرو گونزالس ایناریتو)
- بمان (فیلمی به کارگردانی مارک فاستر)
- تل ماسه (فیلمی علمی تخیلی به کارگردانی دیوید لینچ)
- سه میمون (فیلمی به کارگردانی نوری بیلگه جیلان که جایزه‌ی کن ۲۰۰۸ را برای بهترین کارگردانی گرفت)
- میلک (فیلمی به کارگردانی گاس ون سنت که به زندگی هاروی میلک، نخستین سیاست‌مدار همجنس‌گرای آمریکایی می‌پردازد.)
- پی (فیلمی به کارگردانی دارن آرنوفسکی که درباره‌ی یک نابغه‌ی ریاضی به نام ماکسیمیلیان کوهن است که در نظریه‌ی اعداد کار می‌کند و اعتقاد دارد که جهان از عدد ساخته شده است.)
- شاه لیر (فیلمی به کارگردانی ژان لوک گدار)
- لبه بهشت (فیلمی به کارگردانی فاتح آکین)
- دان (فیلمی به کارگردانی فرهان اختر که بازسازی فیلمی قدیمی با بازی آمیتاب باچان است. دنباله‌ای که بر این فیلم ساخته شد از قسمت اولش مشهورتر است.)
- بوی خوش زن (فیلمی به کارگردانی مارتین برست که فیلم بازسازی یک فیلم ایتالیایی با همین نام به کارگردانی دینو رسی است.)

هوانورد (فیلمی به کارگردانی مارتین اسکورسیزی که بر مبنای زندگی هوانورد، تهیه‌کننده و کارگردان سینمای مشهور آمریکایی هوارد هیوز ساخته شده است.)

راز (فیلمی مستند که بر اساس کتابی به همین نام ساخته شده و در مورد باور شبه علمی قانون جذب است.)

شاه (فیلمی مستند به کارگردانی یوجین جریکی درباره‌ی الویس پریسلی)

مهاجر (فیلمی به کارگردانی ابراهیم حاتمی کیا)

بن هور (فیلمی به کارگردانی ویلیام وایلر که برنده‌ی یازده اسکار شد.)

نازارین (فیلمی به کارگردانی لوئیس بونوئل که برنده‌ی جایزه‌ی کن شد.)

فهرست شیندلر (فیلمی به کارگردانی استیون اسپیلبرگ بر پایه‌ی زندگی واقعی اسکار شیندلر، صنعتگر آلمانی که جان بیش از هزار لهستانی یهودی را در جریان هولوکاست نجات داد)

هشت زن (فیلمی به کارگردانی فرانسوا اوزون)

شیر (فیلمی به کارگردانی گارث دیویس)

فریدا (فیلمی به کارگردانی جولی تایمور که درباره‌ی زندگی نقاش مکزیکی سوررئالیست فریدا کالو است و از رمانی به نام «فریدا: زندگی‌نامه‌ای از فریدا کالو» نوشته‌ی هایدن هررا اقتباس شده است.)

مادر (فیلمی به کارگردانی علی حاتمی)

فصل کرگدن (فیلمی به کارگردانی بهمن قبادی)

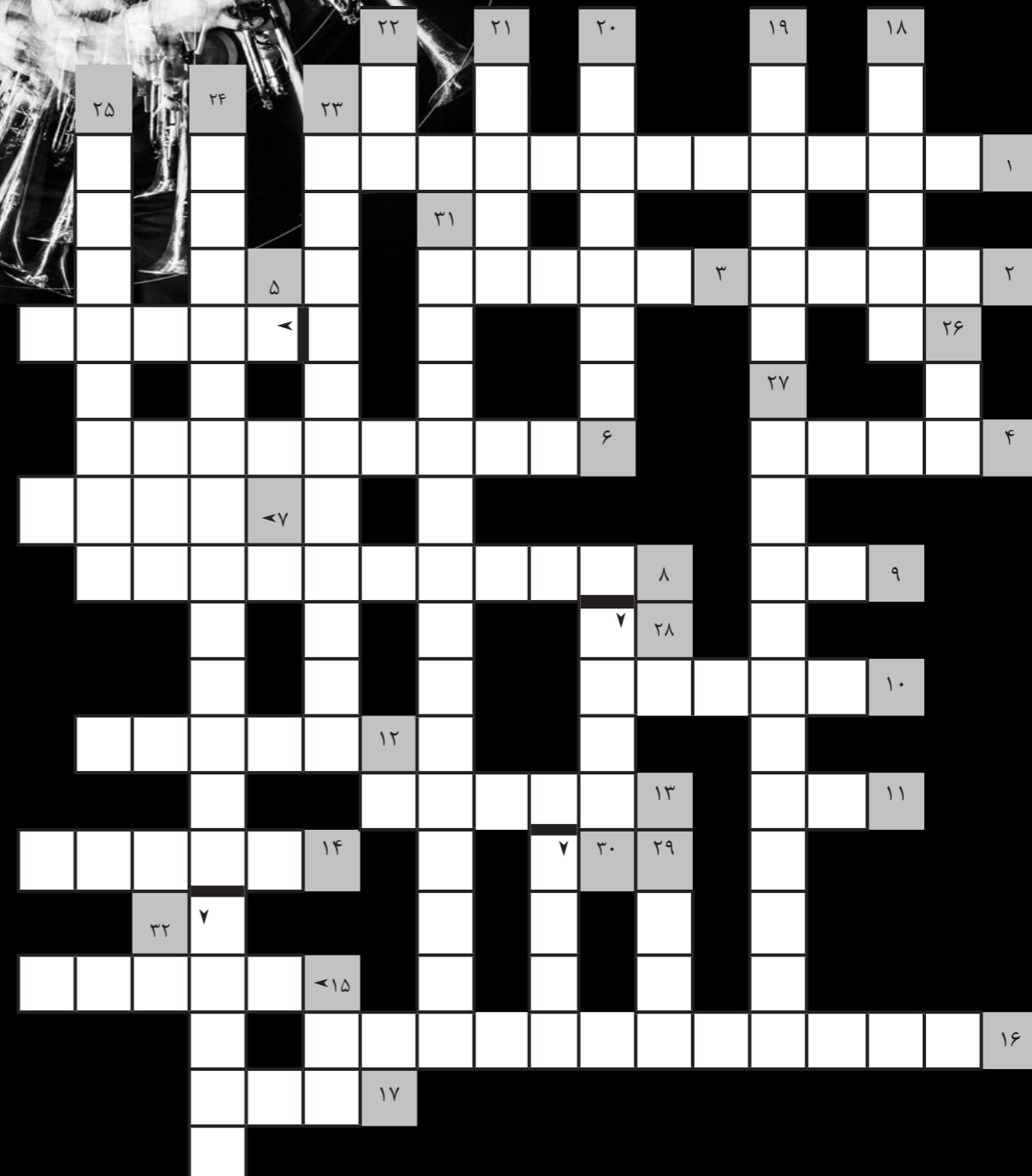
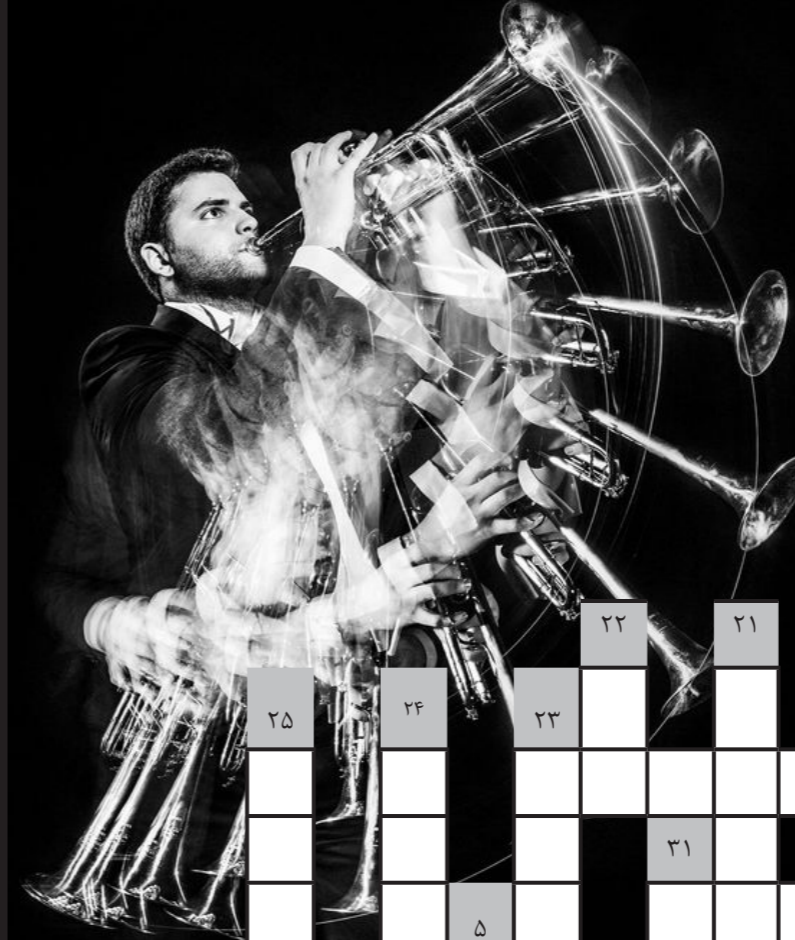
خانه (انیمیشنی به کارگردانی تیم جانسون)

رکود بزرگ (فیلمی به کارگردانی آدام مک‌کی درباره‌ی بحران مالی ۲۰۰۸-۲۰۰۷ آمریکا که بالا رفتن نرخ بازار مسکن و حباب اقتصادی را به ارمغان آورد.)

یک بار (فیلمی به کارگردانی جان کرنی)

جدول نغمه

طراح جدول: محبوبه عموشاهی



افقی

- ۱- یکی از قطعات باقی مانده از آواز او در دستگاه شور همراه با تار استاد علی اکبر خان شهنازی و شعری از سعدی شیرازی با چنان مهارتی اجرا شده است که از شاهکارهای موسیقی ایرانی به شمار می‌رود.
- ۲- یکی از آخرین آثار تکنوازی سنتور پرویز مشکاتیان که در سال ۱۳۸۴ آن را نواخت و منتشر کرد.
- ۳- کمانچه بدون دسته
- ۴- انتهای دستگاه یا آواز و گوشه در موسیقی ایرانی به تناسب وسعت و حالت دارای این فیگور ملودیک است.
- ۵- نام گوشه‌های متداول در موسیقی ایرانی که دستگاه‌ها و آوازها معمولاً با این گوشه آغاز می‌شوند.
- ۶- در این گوشه خواننده یا نوازنده از درجه‌ی هفتم گام شور به نت شاهد می‌رسد.
- ۷- یکی از واحدهای سنجش فاصله میان دو نت که تعریف آن در هر ساز متفاوت است.
- ۸- سوویت «شهر مرجان» نام اثری معروف از این موسیقیدان است که بر روی قصه‌ای از غلامحسین غریب و توسط ارکستر سمفونیک تهران به رهبری روبیک گریگوریان اجرا شده است.
- ۹- الفبای موسیقی
- ۱۰- یکی از گوشه‌های موسیقی ایرانی که نت شاهد در آن روی درجه دوم گام شور است، همچنین از این گوشه می‌توان وارد آوازهای دیگر شور شد. نام دیگر این گوشه رهاب است.
- ۱۱- نت هفتم وارونه
- ۱۲- از زیباترین گوشه‌های آواز افشاری که شباهت زیادی با گوشه‌ی عراق دارد.
- ۱۳- یکی از گوشه‌های موسیقی ایرانی که در تمام دستگاه‌ها آورده شده و گاهی در یک دستگاه در چند جا برشمرده شده است. این گوشه بیشتر به صورت ضربی اجرا شده و بر وزن سه چهارم است.
- ۱۴- سازی ایرانی‌الاصل که توسط عباس مهرپویا بار دیگر از موسیقی هند به موسیقی ایران وارد شد.
- ۱۵- آلبوم بامداد اثری از این آهنگساز به همراهی خوانندگی بیژن کامکار است که تجربه‌ای متفاوت در آهنگسازی و تنظیم موسیقی ایرانی به شمار می‌رود.
- ۱۶- تصنیفی با آهنگسازی حسین علیزاده و خوانندگی محمدرضا شجریان در آلبوم فریاد
- ۱۷- به مجموعه‌ای از نت‌های پی در پی و متوالی موسیقی گفته می‌شود که با یکدیگر فاصله‌های معین و حساب شده‌ای دارند.

عمودی

- ۱۸- آلبومی از علیرضا افتخاری
- ۱۹- بخش اول نام آلبومی از محمدرضا شجریان در دستگاه همایون که در سال ۱۳۸۸ اجرا شده است.

- ۲۰- نام یکی از گوشه‌های موسیقی ایرانی که در اوج آواز دشتی اجرا می‌شود. غلامحسین بنان از کسانی است که این گوشه را به زیبایی اجرا و آن را متداول کرد. آلبومی با همین نام نیز به خوانندگی محمدرضا شجریان و اهتمام کامبیز روشن‌روان توسط کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شده است.
- ۲۱- نت «ر» در ربع پرده‌ی بم
- ۲۲- نت پنجم وارونه
- ۲۳- آلبومی در دستگاه اصفهان و نوا با خوانندگی پریسا و همراهی حسین عمومی و پژمان حدادی
- ۲۴- بخش اولین آواز او تحت عنوان «مست مستم ساقیا دستم بگیر» از برنامه‌ی گل‌های رادیو در سال ۱۳۳۸ در مثنوی شور با استقبال زیاد مردم روبرو شد.
- ۲۵- اثری با آهنگسازی محمد حیدری در دستگاه همایون
- ۲۶- یکی از سازهای کوبه‌ای
- ۲۷- تصنیف «من از روز ازل» ساخته‌ی مرتضی محجوبی و خوانندگی محمدرضا شجریان، قطعه‌ای بسیار تأثیرگذار و اجرا شده در این دستگاه است.
- ۲۸- یکی از سازهای زهی موسیقی ایرانی که شبیه کمانچه است و با آرشه نواخته می‌شود، با این تفاوت که کاسه‌ای به بزرگی کاسه‌ی تار و دسته‌ای کوتاه دارد. علی محمد بلوچ از بزرگترین نوازندگان این ساز بوده است.
- ۲۹- یکی از شاگردان علینقی وزیری در مدرسه‌ی عالی موسیقی که قطعه‌ی «زرد ملیحه» نام نخستین اثر ضبط شده‌ی او با ویولن است.
- ۳۰- بیژن کامکار یکی از نوازندگان این ساز خراسانی است.
- ۳۱- قطعه‌ای ساخته‌ی درویش‌خان که توسط محمدرضا لطفی و ناصر فرهنگ‌فر نیز اجرا شده است.
- ۳۲- نام یکی از گوشه‌های آواز ابوعطا است که در آوازهای دیگر از جمله بیات ترک (زند) و افشاری نیز استفاده می‌شود. از لحاظ تقسیم‌بندی عروضی جزو گوشه‌هایی است که دارای ریتم ثابت و مشخصی هستند. اجرایی از این گوشه با آواز ادیب خوانساری و تار ابراهیم سرخوش نیز وجود دارد.



جدول غزل

طراح جدول:فاطمه اختصاری

۱- یکی از پرکاربردترین بحور عروضی است. فروغ فرخزاد در دو کتاب آخر خود از یکی از زحافات این وزن بسیار استفاده کرده است.

۲- گونه‌ای از متون وصفی که به توصیف اعمال پهلوانی و افتخارات و بزرگی‌های قومی یا فردی می‌پردازد. وجود قهرمان‌های با قدرت‌های برتر و حوادث خارق‌العاده یا اغراق‌آمیز از ویژگی این متون است.

۳- جریان شعری که در دهه‌ی هفتاد در شعر ایران ایجاد شد و موافقین و مخالفان زیادی دارد. بسیاری آن را نوع لوکالیزه شده‌ی جریان شعر زبانگرا در آن دوران می‌دانند. از ویژگی‌های این جریان می‌توان به چندصدایی، ترفندهای زبانی، ساختارشکنی، نقد فراروایت‌ها و… اشاره کرد که در دل قالب‌های شعری سنتی فارسی اتفاق می‌افتد. بسیاری بنیانگذار این جریان ادبی در ایران را «سیدمهدی موسوی» می‌دانند که در اواخر دهه‌ی هفتاد سه مقاله‌ی مهم در تبارشناسی، صورت‌بندی و همچنین نقد آن نوشت. در اواسط دهه‌ی هشتاد، گاهنامه‌ی «همین فردا بود» به شکل تخصصی به این جریان پرداخت. در اواخر دهه‌ی هشتاد، آلبوم موسیقی «هیچ هیچ هیچ» به این جریان تقدیم شد و در سال‌های اخیر تعدادی از اشعار و ترانه‌های متعلق به این جریان به صورت موزیک اجرا

شده‌اند. مخالفین این جریان، آن را پیچیده، پوچ‌گرا، تئوری‌زده، هجوآمیز و دارای زبانی غیرشعری و مخالف سنت‌های ادبیات کلاسیک می‌دانند. همچنین اینترنت و شبکه‌های اجتماعی را در همه‌گیر شدن آن مقصّر قلمداد می‌کنند.

۴- عنوانی برای آثاری که به ستایش کردن و ستودن خصلت‌ها و صفات نیک کسی می‌پردازند. در این متون در ضمن برشمردن سجایای اخلاقی شخص مقابل، از رفتار و موفقیت‌های او تمجید می‌شود و زبان به بزرگداشت او می‌گشاید. شاید یکی از قدیمی‌ترین موضوعاتی که در شعر فارسی موردتوجه شاعران واقع شده، همین گونه از ادبیات بوده است. زیرا هنر شاعری ابتدا در دربار امیران و سلاطین ایران موردتوجه قرار گرفته است و از شعر به عنوان مهم‌ترین ابزار برای تبلیغ سیاست و قدرت‌نمایی حکومت‌ها بهره‌برداری شده است. قسمت عمده‌ای از قصاید فارسی به این متون اختصاص دارد.

۵- عنوان شعری که بر اساس روایت شکل می‌گیرد و در آن شاعر به شیوه‌های گوناگون به روایت ماجرای می‌پردازد. با خواندن یا شنیدن این نوع شعر، سرگذشت یا سرنوشتی در یاد مخاطب باقی می‌ماند.

۶- شاعر، مترجم، نقاش، منتقد و روزنامه‌نگار پیشرو ایرانی. از پیشگامان شعر سوررئال فارسی و شعر نو عرفانی ایران و

از نخستین شاعران شعر منشور ایران. او از اعضای اصلی و تاثیرگذار انجمن هنری «خروس جنگی» بود و مجله‌ای نیز به همین نام منتشر می‌کرد. مجموعه شعر او، اگرچه رادیکال و تحول‌خواه بود اما با استقبال جامعه‌ی ادبی آن زمان روبرو نشد. او معتقد بود هنر هرگز خواست اثبات چیزی و به وجود آوردن پدیده‌ای مفید را ندارد بلکه برای لذت هنرمند آفریده می‌شود و هنرمند در همان هنگام که به آن دوستی می‌ورزد آن را به کناری می‌زند و در جست‌وجوی تازه‌تر می‌رود تا خواهش لذت‌خواهی درون را، که هر آن در تغییر و جنبش است برآورد، و جز دریافت لذت برای خود، هدفی دیگر بر او فرمان نمی‌راند. به باور او برای هنرمند همه‌چیز تنها دست‌آویز هنر اوست و هرگز به بند اخلاق و اجتماع و سنت‌های باستانی تن در نمی‌دهد، و حتی اگر نموده‌ای هنری‌اش نابخردانه مفید یا در بند اجتماع و سنت‌ها شناخته شود، بر او گناهی نیست. منوچهر آتشی معتقد بود که او نخستین شاعر پست مدرن ایران و دادائیستی ملایم بود. او از جمله نخستین نویسندگانی است که نداشتن وسواس وزن و قافیه، و رها شدن در بی‌اختیاری تخیل را توصیه کرده و در کار خویش نیز به این شیوه‌ی نوشتن چشم داشته‌است. شعری از او:

کتاب **فروشی** – آرمان

تاب **فروشی** – رمان

اب **فروشی** – مان

ب **فروشی** – ان

فروشی – ن

فرو

شی

پت پت پت

۷- نویسنده معاصر و استاد ادبیات فارسی که کتاب‌های زیادی را منتشر کرده است. او چند سالی در دانشگاه شیراز پزشکی خوانده و سپس تغییر رشته داد و نهایتاً مدرک دکترای ادبیات فارسی را از دانشگاه تهران دریافت کرد. از کتاب‌های او می‌توان به «نقد ادبی»، «شاهدبازی در ادبیات فارسی» و «آشنایی با عروض و قافیه» اشاره کرد.

۸- تعداد «فِعولن» در بحر متقارب مثنی سالم در یک بیت.

۹- سبکی از شعر معاصر فارسی که نخستین نمونه‌ی شعر نو در ادبیات فارسی بوده است. در این نوع شعر، محتوای شعر بر شکل و قالب، مقدم است و شاعر برای شکل اثر، به نسبت اشعار کلاسیک پیش از آن، آزادی بیشتری دارد. به این صورت که می‌توان از قید تساوی طول مصاربع رها شد و جایگاه قافیه نیز بنا بر خواسته‌ی شاعر قابل تغییر است. با انتشار شعر «افسانه»، مانیفست این سبک از شعر نیز مطرح شد.

۱۰- غزل‌سرای معاصر ایرانی و از اعضای کانون نویسندگان ایران. او به خاطر سرودن غزل در اوزان جدید و ابتکاری معروف است. او پیش از انقلاب برای رادیو ترانه هم می‌سرود

و خوانندگانی چون شجریان، الهه، گلپایگانی، داریوش، ایرج، عارف، سپیده، کورس سرهنگ‌زاده، رامش، عهدیه، سیما بینا، پوران، دلکش و مرضیه، سروده‌های وی را خوانده‌اند. وی مدتی هم عضو شورای موسیقی رادیو و تلویزیون ملی ایران بود. از کتاب‌های او می‌توان به «دشت ارژن»، «یک دریچه آزادی» و «مرمر» اشاره کرد.

۱۱- شاعر قرن هفت. او مؤلف یکی از معروفترین کتاب‌های عروض و قوافی محسنات شعر فارسی به نام «المعجم فی معاییر اشعار العجم» است. این کتاب از حیث جامعیت و دقت و صراحت در بیان فنون شعر بی‌نظیر و از جهت شیوه‌ی نثر، از آثار برجسته‌ی زبان پارسی است. المعجم از همان آغاز تدوین، در شمار معتبرترین کتب فارسی در فنون ادبی شناخته شده و بعد از آن، مؤلفان در تألیف آثار خویش از آن بهره گرفته‌اند. ۱۲- یکی از قالب‌های شعر فارسی که در آخر هر مصرع یا بیت، جمله‌ای موزون اضافه می‌شود که کوتاه‌تر از طول مصرع آن شعر است و وزن آن نیز با مصرع اول یکی نیست اما کامل کننده‌ی معنی مصرع است. این قالب برای اولین بار توسط «مسعود سعد سلمان» به کار برده شد و پس از او شعرای دیگری نیز در این قالب شعر سرودند. خواجه، یغما جندقی و ملک‌الشعرای بهار از این قالب بسیار استفاده کرده‌اند.

۱۳- در لغت به معنای «لایی» است که میان آستر و پارچه قرار می‌گیرد تا لباس را استوار نگه دارد. اما در دستور زبان، به کلمه یا عبارتی می‌گویند که وجودش در جمله از لحاظ دستوری زائد است و حذف آن آسیبی به معنای آن جمله وارد نمی‌کند. از انواع آن ملیح، متوسط و قبیح را می‌توان نام برد.

۱۴- این جریان ادبی در شعر آزاد فارسی در انتهای دهه‌ی هفتاد، توسط شاعرانی نظیر حافظ موسوی، شمس لنگرودی و… ایجاد شد. از ویژگی‌های این جریان می‌توان به دوری از زبان متصنّع و متکلف، پرهیز از استعاره‌های تکراری و پیچیدگی بی‌دلیل، و نزدیک شدن به زبان امروز اشاره کرد. در دهه‌ی هشتاد، شاعران جوانی نظیر گروس عبدالملکیان این جریان را به اوج رساندند و باعث همه‌گیر شدن آن در بین شاعران سپیدسرا شدند. عده‌ای به وجود آمدن این جریان را واکنشی ناخودآگاه علیه زبانگرایی افراطی شاعران دهه‌ی هفتاد و دور شدن مخاطب از شعر می‌دانند. با گسترش موبایل، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی این نوع از اشعار در بین مردم عام هم طرفدارانی پیدا کرد. مخالفان این جریان، علت توفیق آن را رمانتیسسیسم منفعل و سانتی‌مانتالیسم محتوایی اشعار، کوتاه‌نویسی و دوری از تکنیک‌های ادبی نظیر فرم، چندصدایی و… می‌دانند و بسیاری از اشعار دهه نودی این جریان را قطعه‌ی ادبی می‌نامند. طرفداران این جریان اکثراً از قشر نوجوان و جوان هستند و به خاطر قابلیت ترجمه‌پذیری بالایی که آثار این جریان دارد، تعدادی از شاعران موفق آن، به چاپ ترجمه‌ی اشعارشان در کشورهای دیگر دست زده‌اند.

۱۵- گونه‌ای از شعر نو فارسی که شکل سازمان یافته و پلایش شده‌ی شعر موج نو است. می‌توان از آن به «اسپاسمانتالیسم»

نیز یاد کرد. از شاعران این جریان می‌توان «یدالله رویایی»، «پرویز اسلام‌پور» و «محمود شجاعی» را نام برد.
۱۶- صنایع ادبی را گویند که بر دو نوع عمده است «لفظی» و «معنوی»

۱۷- نویسنده و شاعر معاصر. او نیز از اعضای کانون نویسندگان ایران و جزو کسانی است که خشت اول کانون را گذاشته‌اند. او با چاپ کتابی جریان شعر پست‌مدرن ایران را آغاز کرد و تحولی در شعر دهه‌ی هفتاد ایران ایجاد کرد. او از اولین کسانی است که با گذاشتن کارگاه‌های ادبی، شاگردانی را در حوزه‌ی شعر و داستان تربیت کرد. از مشهورترین شاگردان کارگاه‌های ادبیات او می‌توان به شیوا ارسطویی، فرخنده حاجی‌زاده، رزا جمالی و شمس آقاجانی اشاره کرد. متن زیر قسمتی از پیش‌گفتار یکی از کتاب‌های اوست:

«تجربه‌ی زندگی به من آموخته است که منت آدم‌های به‌ظاهر کوچک ولی در باطن مهربان و بزرگ را بکشم، ولی هرگز گله از روزگار نکنم، حتی اگر روزگار به گندی روزگار ما باشد. من برای بخت و سرنوشت و قضا و قدر و خوشنامی و بدنامی و گذرا بودن و جاودانی شدن و اباطیلی از این دست تره هم خرد نمی‌کنم. اعتقاد دارم که جدی‌تر و حیاتی‌تر از نفسی که نویسنده می‌کشد، قضاوت بدون پیش‌داوری است که فقط در سایه‌ی سرسپردگی به روح عزیز و نجیب خلایق و تفکر حاصل می‌شود. دشمن واقعی نویسنده‌ی امروز، پیش‌داوری او درباره‌ی اشخاص و حوادث و پیش‌داوری دیگران درباره‌ی اوست. ما نیازمند نویسندگانی هستیم که جرأت تفکر داشته باشند، چفت و بست‌هایی را که به مغز و اندیشه‌ی خود زده‌اند بشکنند، از محافل تنگ و تاریک دوستی و دشمنی بیرون بیایند، قدم در هوای زلال بدون پیش‌داوری بگذارند، جزمیت‌های خصوصی و قالب‌های پیش‌ساخته‌ی عمومی را رها کنند و خود را در مسیر سیلان آزاد اندیشه قرار دهند.
در یک کلام: تفکر کنند.»

۱۸- نشریه‌ی فرهنگی ادبی و پیشرو که بین سال‌های ۱۳۲۲ تا ۱۳۵۷ منتشر می‌شد. پایه‌گذار آن پرویز ناتل خانلری بود. از دیگر سردبیران این نشریه می‌توان به «احسان یارشاطر»، «ابوالحسن نجفی» و «رضا سیدحسینی» اشاره کرد.
۱۹- اختیاری که در آن شاعر می‌تواند به جای دو هجای کوتاه، یک هجای بلند بیاورد. این اختیار جز در آغاز مصرع، در همه جا قابل اعمال است.
۲۰- خانه‌ی شاعر

مصوت‌ها

شعری از آرتور رمبو

مربوط به جدول سیدحسینی

A سیاه، E سفید، I سرخ، U سبز، O آبی
ای مصوت‌ها، روزی تولد مکتوم شما را خواهیم سرود
A: خلیج‌های تاریک، کرست سیاه و کرک‌دار مگس‌ان براق
که بر گرد بوگنده‌های جانگزا وزوز می‌کنند.
E: ساده‌لوحی بخار و چادرها،
نیزه‌ی یخچال‌های طبیعی گردن‌فراز، شاهان سفید، لرزش
چترهای زنانه
I: رنگ‌های ارغوانی، استفراغ خون، خنده‌ی لبان زیبا
به هنگام خشم یا سرمستی‌های پشیمان.
U: دایره‌ها، ارتعاش‌های ایزدی دریا‌های اخضر
آرامش حیوانات پراکنده در چراگاه‌ها، سکون چین و شکن‌ها
که کیمیا بر پیشانی‌های بلند ساعی نقش می‌زند
O: صور واپسین، آکنده از صداهای گوش‌خراش و غریب
سکوت‌هایی که جهان‌ها و فرشتگان از خللشان می‌گذرند،
ای امگا، پرتو بنفش چشمان او



زیباترین خودکشی - مربوط به جدول جیم



صابون حمام
گلنار
باروغن نارگیل
برای شادابی پوست و تقویت مو

کرست
استی کاپس
شکل واقعی زیبایی سینه‌هایتان را حفظ میکند
مهمتر از همه هیچ کس نمیتواند تشخیص دهد که آیا کرست پوشیده‌اید یا نه؟
کرست جدید استی کاپس اولین کرست در جهان است که بدون بند و پشت میباید.
و در شب نشینی‌ها، کوکتل‌ها، کناردریا، حتی بالباسهای یقه‌باز قابل استفاده است.
زیبائی طبیعی خود را با کرست استی کاپس طبیعی تر جلوه دهید.

مرکز پخش شرکت آ. اف. ا. میدان ارتش خلیان الوند کوی کامیبر ساختمان شماره ۱۵
فروش در دراکاستور تخت جمشید

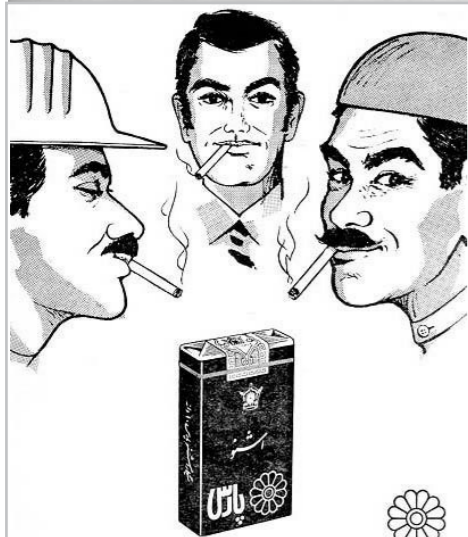
تا ۹ بشمارید

سرعت آریا از صفر به هشتاد کیلومتر میرسد.

تا ۲ بشمارید... و همان سرعت به صفر میرسد.



موتور ۶ سیلندر ۱۳۸۰ سی‌سی قدرت ۱۳۸ اسب
ترمز آریا و شاسی ۳۹۰ کیلوگرم
۸۰ پاره‌خاک‌کننده
بازشده‌کار به پرواز در آید و بازشده‌کار ترمز مخفی شاسی



اشنو پارسین

9821

بدون باطاب آلوسیسم و پوشش نولمان همیشه تازه بستر شما میرسد

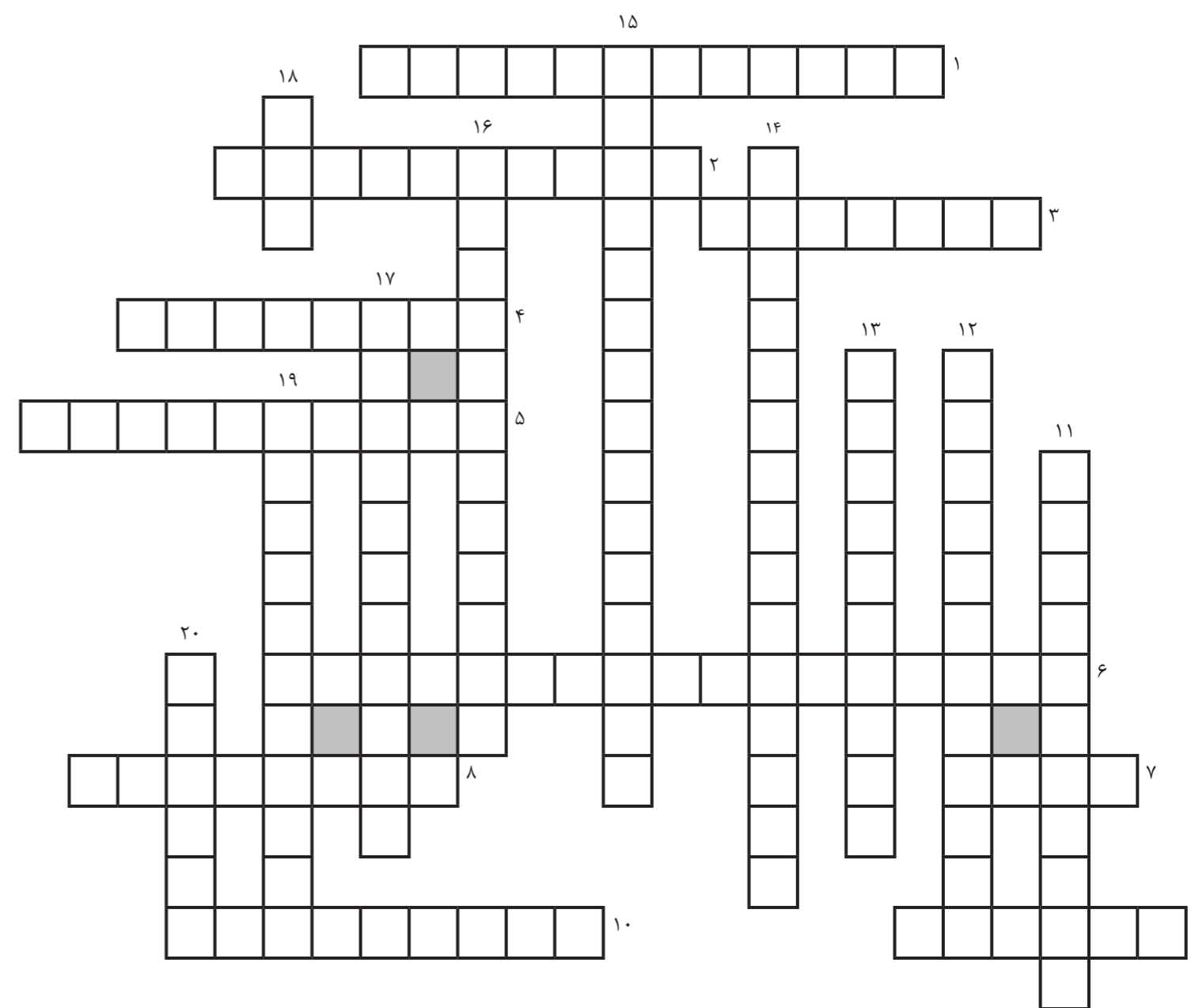
ارج نامی که میشناسید و به آن اطمینان دارید





جدول قلم

طراح جدول: نگار شعبانزاده



افقی:

- ۱- شاعر و نمایشنامه‌نویس مشهور انگلیسی قرن ۱۶ و اوایل قرن ۱۷ میلادی. وی را بزرگ‌ترین نویسنده در زبان انگلیسی دانسته‌اند. «سخن سرای آون» (Bard of Avon) لقبی است که به خاطر محل تولدش در آون واقع در استراتفورد انگلیس به وی داده‌اند.
- ۲- شخصیت داستانی مشهور و رکورددار گینس که توسط آرتور کانن دوویل در سال ۱۸۸۷ ساخته شده است و چهار رمان و ۵۶ داستان کوتاه با این شخصیت باقی‌مانده است.
- ۳- نویسنده‌ی انگلیسی رمان‌های علمی‌تخیلی اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ و صاحب رمان‌های «مرد نامرئی» و «ماشین زمان».
- ۴- نویسنده‌ی اسپانیایی طرفدار شمنیسم و صاحب کتاب‌هایی با فروش میلیون‌ها نسخه که منتقدان، آنها را تخیلی می‌دانند ولی طرفداران او معتقدند که آنها برگرفته از واقعیت هستند.
- ۵- اثر دیگری از نویسنده‌ی «سرگذشت ندیمه» که توسط شیرین احدزاده ترجمه شده است.
- ۶- اولین نویسنده‌ی کتاب ادبیات کودکان با داستان‌های معروفی مثل «بندانگشتی» و «ملکه‌ی برفی».
- ۷- نویسنده و شاعر فرانسوی در سبک رمانتیسم که در موطنش، فرانسه، او را بیشتر به‌خاطر شعرهایش می‌شناسند. از مهمترین آثارش می‌توان به «بینوایان»، «گوژپشت نتردام» و «مردی که می‌خندد» اشاره کرد.
- ۸- روزنامه‌نگار انگلیسی و صاحب کتاب «من پیش از تو»
- ۹- کتابی معروف از ولادیمیر ناباکوف که با انتقاد بسیاری مواجه شد. شهرت این رمان در فرهنگ عمومی موجب شد که نام شخصیت اصلی کتاب به لقبی برای دختران زودبالغ تبدیل شود.

۱۰- نویسنده‌ی فرانسوی آمریکایی خالق آثاری چون «من اگر شما بودم»، «نیمه شب» و «لویاتان/سفر سیاه»

عمودی:

- ۱۱- کتابی با یک شخصیت کودک در یک سیارک که رکورد بیشترین ترجمه به زبان‌های خارجی را از آن خود کرد.
- ۱۲- نویسنده‌ی کتاب «سفرهای گالیور».
- ۱۳- نویسنده‌ی آمریکایی با بیش از ۲۰۰ اثر ادبی در ژانر وحشت و فانتزی. از رمان‌های او برداشت‌های سینمایی بسیاری شده است که از آن جمله می‌توان به «مسیر سبز»، «درخشش» و «رستگاری در شاتوشنگ» اشاره کرد.
- ۱۴- رمان‌نویس لهستانی که به خاطر رمان چهارجلدی «دهقانان» برنده‌ی نوبل ادبیات در سال ۱۹۲۴ شد.
- ۱۵- نویسنده‌ی انگلیسی در سبک رمانتیسم و صاحب کتاب «پر».
- ۱۶- اثری از «هاروکی موراکامی» در سبک رئالیسم جادویی، با دو شخصیت اصلی در دو روایت موازی، این کتاب در سال ۱۳۸۶ به صورت همزمان توسط دو مترجم، با دو عنوان مختلف در ایران منتشر شد.
- ۱۷- اولین زن برنده‌ی جایزه‌ی نوبل ادبیات.
- ۱۸- نام رمانی از «جین آستن» که اولین بار در دسامبر ۱۸۱۵ به چاپ رسید. این کتاب توسط رضا رضایی به فارسی ترجمه شده است.
- ۱۹- پرفروش‌ترین کتاب تک‌جلدی جهان
- ۲۰- رمان تحسین شده‌ی سیمین دانشور که زندگی فتودالی دهه‌ی بیست ایران را به تصویر می‌کشد.



M.C. Escher- Plane Filling II

جدول بیدل

طراح جدول: فاطمه اختصاری



• کلمات حذف شده از ابیات، جواب سوالات جدول هستند.

افقی

۱- سزا خود ز کسری چنین نامه بود
نه بر کام بایست ... بود (فردوسی)
همچو زلف نیکوان خردساله تاب خورد
همچو عهد دوستان سالخورده ... (فرخی)

۲- طریق عشق گرفتگی و منهزم ز ملامت
تو کز ... حذر می کنی، چه مرد نبردی؟ (اوحدی)
در... شب هجر تو جانم به لب آمد
وقت است که همچون مه تابان به درآیی (حافظ)

۳- آب صبرت آب جوی خلد شد
جوی شیر خلد مهر توست و ... (مولوی)
در زیر گل خیری آن به که قدح گیری
بر ... شبگیری، بانگ و شغب صلصل (منوچهری)
به آب تیغ تر سازد گلو را تر زبانی‌ها
غنیمت دان درین دریا چو... بی‌زبانی را (صائب)
بازم از ... خم ابروی بتی در نظر است
سلخ ماه دگر و غره‌ی ماه دگر است (وحشی)

۴- طفیل هستی عشقند آدمی و ...
ارادتی بنما تا سعادت بیبری (حافظ)
ای گنج ... با خستگان نظر کن
مرهم به دست و ما را مجروح می‌گذاری؟ (سعدی)
در وصل هم کنار خیالیم، چاره نیست
آیینه‌ایم و ... به بر می‌کشیم ما (بیدل دهلوی)

۵- آنکه می‌پرسد نشان راحت و لذت ز ما
... پرسد اول این معنی که خواب و خورد چیست (وحشی)
خواهم شدن به ... گریبان و دادخواه
کز دست غم خلاص من آن جا مگر شود (حافظ)
عشق همدست به تقدیر شد و کار مرا ساخت
... ای عقل که کاری تو به تدبیر نکردی (شهریار)

۶- آخر الامر گل کوزه‌گران خواهی شد
حالیا فکر ... کن که پر از باده کنی (حافظ)

۷- گر کار من از عشقش با شحنه و دار افتد
از شحنه نترسم من وز ... نیندیشم (خاقانی)
سرخوشم از درد و درد از ساقی عیش و ...
بهر من چون درد خواری نیست، گو هرگز مباش (امیرخسرو دهلوی)

۷- ... و سنگ کم و ترازوی کز
همه تدبیر مرد غدار است (ناصرخسرو)
... به روی تو گویم از آن زمان که برفتی
که هیچ روی ندیدم که روی درنکشیدم (سعدی)
به عمری یک نفس با ما چو بنشینند برخیزند
نهال ... در خاطر چو برخیزند بنشانند (حافظ)
نشاط من همه زی آشیان نه فلک است
اگرچه در قفس پنج ... گرفتارم (خاقانی)

۸- چرخ در کار زمین است و زمین در بار چرخ
هر ... را حالتی، ما در میان آسوده‌ایم (سلمان ساوجی)
... که را دیده در دهان تو رفت
هرگزش گوش نشنود پندی (سعدی)

به صد ... جهم از جا چو خوانی‌ام سگ خویش
چه جای آن که به سوی خودم کنی آواز (محتشم کاشانی)
پیش تیرش آهوان را از غم ردّ و قبول
شیر خون گشتی و خون شیر آن ز خوف این از ... (خاقانی)

۹- هر... دل را که با زلف دل‌آویزش بود الفت
کجا طاققت شود ممکن، کجا تسکین شود پیدا
(فروغی بسطامی)

کی چشم تو با حال من افتد که شب و روز؟
او خفته و ... است و مرا کار خراب است (سلمان ساوجی)
ای نوبهار حسن بیا کان هوای خوش
بر باغ و ... و گلشن و صحرا مبارک است (مولوی)
شمعی ولی هر شب مرا، از لرز زلفت ... مرا
عمری بمیگون لب مرا، سرمست و شیدا داشته (خاقانی)

۱۰- چه شب است یا رب امشب که ستاره‌ای برآمد
که دگر نه عشق خورشید و نه مهر... دارم (سعدی)

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱														
۲														
۳														
۴														
۵														
۶														
۷														
۸														
۹														
۱۰														
۱۱														
۱۲														
۱۳														
۱۴														
۱۵														

تا نیک ندانی که ... عین صواب است
باید که به گفتن دهن از هم نگشایی (سعدی)

۱۳- به ... زمزم و کوثر سفید نتوان کرد
گلیم بخت کسی را که بافتند سیاه (حافظ)
هوشی ست بند ما و به پیش تو هوش چیست
گر برج ... است بخواهیش بر کنی (مولوی)
ایام زمانه از کسی ... ننگ
کو در غم ایام نشیند دلتنگ (خیام)
بخشد دست او صد بحر گوهر
که در بخشش نگردد ناخنش ... (نظامی)

۱۴- کرد ... آسمان سیر این دل دیوانه را
سوختن شد باعث نشو و نما این دانه را (صائب تبریزی)
وان مرد که او کتب فتاوی و حیل ساخت
بر صورت ابدال بُد و سیرت ... (ناصر خسرو)

نی نی اگر چو شمعی این دم زدم ز گرمی
اکنون چو شمع از آن دم، سر زیر ... دارم (عطار)
به ... من آنکس نکوخواه توست
که گوید فلان چاه در راه توست (سعدی)

۱۱- ز راه دور فتادم، که ... بود رفیق
ز عقل بهره ندیدم، که دیو بود ندیم (اوحدی)
هان مشو ... چون واقف نه‌ای ز اسرار غیب
باشد اندر پرده بازی‌های پنهان غم مخور (حافظ)
گوش آن کس نوشد اسرار جلال
کو چو سوسن صد زبان افتاد و ... (مولوی)

۱۲- بوی بغلت می‌رود از پارس به ...
همسایه به جان رسید و بیگانه و خویش (سعدی)
گفتا: که ... دروغ است سر بسر
گفتم: تو راست گیر و دروغ از میان بکاه (فرخی سیستانی)

۱۵- گرت ... گردد دل ز دست دوستان سعدی
نه شرط دوستی باشد که از دل بر دهان آید (سعدی)
تا خدمت رندان نگزینی به دل و جان
شایسته‌ی سکان ... نگردي (سنایی)

عمودی

۱- شاه رضا شهید خراسان غریب طوس
کاتش به قلب پاک وی افکند ... روس (بهار)
تپیدن‌های دل‌ها ناله شد آهسته آهسته
رساتر گر شود این ناله‌ها ... می‌گردد (فرخی یزدی)
دوستان دختر رز توبه ز مستوری کرد
شد بر محتسب و ... به دستوری کرد (حافظ)

۲- پر پروانه پی ... تف شمع بود
چونک آن یافت نخواهد پر و دریازیدن (مولوی)
ره پر... است، پر میفکن
تیغ است قوی، سپر میفکن (نظامی)
مدعی خواست که آید به تماشاگاه راز
دست ... آمد و بر سینه‌ی نامحرم زد (حافظ)

۳- ور به یزدان اقتدا کرده ست سلطان، واجب است
شاه والا برنهد، چون حق نکو کرده ست ... (انوری)
یاسمین خندان و خوش زان است کز من غافل است
... من گر دیده بودی یاسمین بگریستی (خاقانی)
گفت دینی را که این دینار بود
کاین فزاگن ... را پروار بود (رودکی)
پای طلبم بسست شد از سخت دویدن
هر ... که شدم راه به سوی تو ندیدم (خاقانی)

۴- در دیده عالم نه، عدلی نو و عقلی نو
وان آهوی یاهو را بر ... معلم زن (مولوی)

از فرط ... ساز بزم و زیر نهاده
چون گریه‌که مومو کند از شهوت بسیار (قآنی)
سال و فال و ... و حال و اصل و نسل و تخت و بخت
بادت اندر شهریاری برقرار و بر دوام (حافظ)
اگر به مذهب تو ... عاشق است مباح
صلاح ما همه آن است کان تو راست صلاح (حافظ)

۵- هله طبل وفا بزن که بیامد ... تو
می چون ارغوان بده که شکفت ارغوان تو (مولوی)
... بر هم نزن رابطه‌ی ساز یقین
کوه گران حوصله را ناله سبکسر نکند (بیدل دهلوی)
قوی بازوانند و کوتاه دست
خردمند... و هشیارمست (سعدی)

۶- بی‌مزد بود و منت، هر خدمتی که کردم
یارب مباد کس را ... بی‌عنایت (حافظ)
شدیم ... به شطرنج غایبانه‌ی تو
به ما بخند که خوش بازی‌ات به‌انگیز است (وحشی)
جستجوی رفتگان سر بر هوا کردیم حیف
پیش ما بود آنچه ما را در نظر ... شد (بیدل دهلوی)

۷- من بی می ناب زیستن نتوانم
بی باده ... بار تن نتوانم (خیام)
وصفش نداند کرد کس، دریای شیرین است و بس
سعدی که شوخی می‌کند ... به دریا می‌برد (سعدی)

۸- چون به صد جان یکدلی نتوان خرید
دلفروشان را ... در بسته به (خاقانی)
بعد از این دست من و ... سرو و لب جوی
خاصه اکنون که صبا مژده‌ی فروردین داد (حافظ)

۹- به مهر ... گیتی مکش رنج امید اینجا
که خون‌ها می‌خورد تا شیر می‌گردد سفید اینجا
(بیدل دهلوی)

کی جام باده درخور کام و دهان ماست
خونی که می‌خوریم ... از دهان ماست (صائب)

۱۰- ندانم این شب قدر است یا ... روز
تویی برابر من یا خیال در نظرم (سعدی)
اشتر به ... عرب در حالت است و طرب
گر ذوق نیست تو را کژطبع جانوری (سعدی)
بانوی شرق و غرب تویی بر درت مرا
قصه ... است که غصه دمام است (خاقانی)

۱۱- ز رشک آن خروس آتشین تاج
گهی ... بر آتش گاه دراج (نظامی)
موج ما یک شکن از خاک نجوشید بلند
بحر عجزیم که در آبله ... کردیم (بیدل دهلوی)
... که قدم نهی تو بر روی زمین
آن مردمک چشم نگاری بوده است (خیام)

۱۲- توبه را از جانب مغرب دری
باز باشد تا قیامت بر ... (مولوی)
غم مردن نبود جان غم اندوخته را
نیست از... حذر مزرعه‌ی سوخته را (صائب)
نوبت عشاق ندارد ...
قول بزرگان نبود جز عمل (خواجو)
... طرب کن تمام خاصه که اکنون
عده‌ی خاتون خم تمام برآمد (خاقانی)

۱۳- پیرزن نیم شب که ... کند
روی هفت آسمان سیاه کند (اوحدی)
اگر عداوت و جنگ است در میان ...
میان لیلی و مجنون محبت است و صفاست
(سعدی)

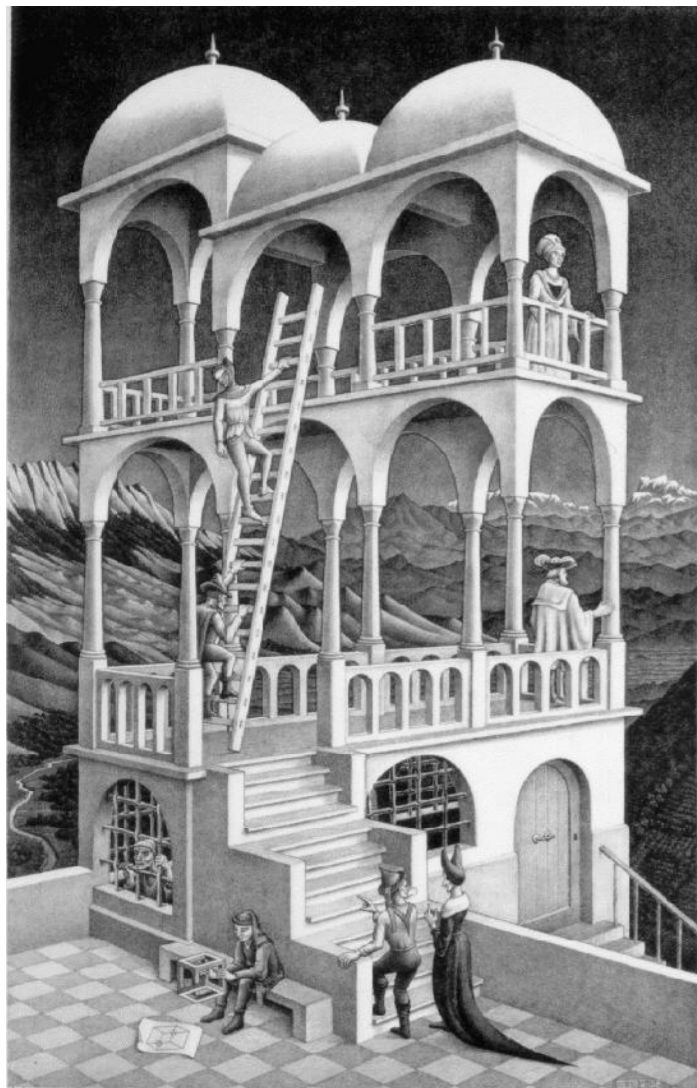
آتش سوزان و ... تیز را
یک صفت باشد تر و خشک گیاه (خاقانی)
هست فتوای فتوت را قلم در دست او
پاسخ فتوا نعم راند بجای ... و لست (سوزنی)

۱۴- هست سالی دو روز شادی خلق
چون ... بنگری همان هم نیست (خاقانی)
قول او بر جهل او هم ... است و هم دلیل
فضل من بر عقل من هم شاهد است و هم یمین
(منوچهری)

ازان سجده بر آدمی سخت نیست
که در صلب او مهره یک ... نیست (سعدی)

۱۵- رسم تقوی می‌نهد در عشق‌بازی رای من
... غارت می‌زند در ملک تقوی روی تو (سعدی)
زندگی کردن من مردن تدریجی بود
آنچه جان کند تنم، عمر ... کردم (فرخی)
دفتر به دبستان بود و نقل به بازار
وین... به جائی که خرابات خراب است (منوچهری)

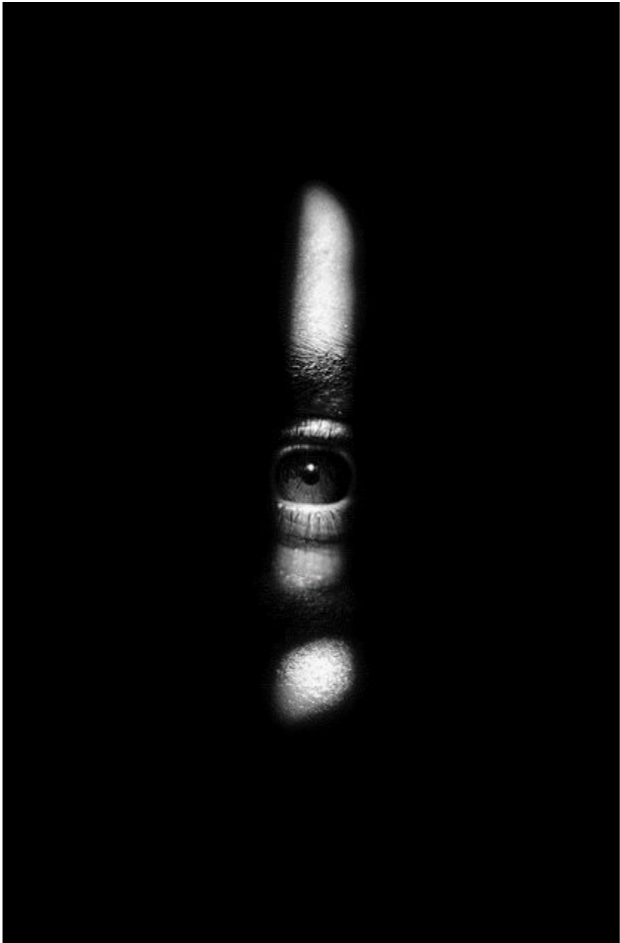
M.C. Escher- Belvedere



رمان درِ قرمز

فصل اول: انتخاب

نویسنده: فاطمه اختصاری



کند. احوال‌پرسی می‌کنم و دعوتش می‌کنم بیاید به اتاق کارم. کیف و لباس‌هایش را همان‌جا رها می‌کند و دنبالم راه می‌افتد. دم در می‌ایستد. انگار از دیدن اتاق شوکه شده باشد. می‌گویم بنشیند روی صندلی قرمز و خودم می‌نشینم روی صندلی مشکی. برایش کمی توضیح می‌دهم که استرسش کمتر بشود، هر چند که این استرس به کارم می‌آید. کف دستش را گذاشته روی میز. همه‌شان فکر می‌کنند از روی دیدن خطوط کف دستشان می‌توانم بفرستمشان وسط آینده. می‌گذارم همین‌جوری فکر کنند. عرق کف دستش را با دستمال پاک می‌کنم و شروع می‌کنم به نوازش کردن انگشت‌هایش.

می‌گویم «چشم‌هایت را ببند و تا وقتی نگفته‌ام باز نکن. تا سه که می‌شمارم نفس عمیق بکش. یک… دو… سه… حالا به این اتاق فکر کن. به در و دیوار قرمز، پرده‌های قرمز، فرش قرمز، رومیزی قرمز. به هیچ چیز دیگری فکر نکن. به صدای موزیک گوش کن. حالا دور و برت تاریک می‌شود و بوی سوختگی می‌شنوی. سعی می‌کنی بفهمی بو از کجاست، اما همه جا تاریک است. یک قدم بگذار جلوتر. بو را بیشتر حس می‌کنی. یک قدم برو جلوتر. حالا روبرویت یک در قرمز می‌بینی. به طرفش برو و بازش کن!»

-

در را باز می‌کنم و وارد کوچه می‌شوم. تاکسی دم در منتظر است. می‌نشینم و ساعتم را برای بار هزارم نگاه می‌کنم و بندش را دور دستم می‌چرخانم. انگار عقربه‌ها دنبال هم می‌دوند. تا الان ده دقیقه

دیر کرده‌ام و تا وقتی که برسم حتماً یک ساعت از قرارمان گذشته است. دکترها حتماً روی وقت حساسند. دوباره زنگ می‌زنم و می‌گویم توی ترافیک مانده‌ام و عذرخواهی می‌کنم. صدای میلاد آرام و مهربان است. می‌گوید که برای خودش یک دمنوش سفارش داده و منتظرم است. می‌گوید «نگران نباش نازنینم». نگرانم. هنوز نمی‌دانم کارم درست است یا نه. مسیج‌های مهدی را از صبح باز نکرده‌ام. نگرانم شده و هی زنگ می‌زند و هی جواب نمی‌دهم. باید یادم باشد همین‌که رسیدم، گوشی را خاموش کنم. کافی شاپ شلوغ است اما میلاد پشت قفسه‌ی کتاب‌ها نشسته که جای تقریباً ساکت و دور از چشمی است. از قبل سفارش دمنوش داده و همین‌که می‌نشینم و حال و احوال می‌کنیم، برایم می‌آورند. آدمی است که حساب همه چیز را می‌کند. کت سورمه‌ای پوشیده و شلوار جین و کفش‌هایش برق می‌زند. موهایش را ژل زده و عطرش مثل همیشه خوش‌بوست. جوری به صورتم نگاه می‌کند که انگار الان توی مطبش نشسته‌ام و می‌خواهد تصوّر کند بعد از عمل دماغ چه شکلی می‌شوم. همین را می‌گویم. می‌خندد و می‌گوید که توی مطب هم همین‌جوری محو زیبایی‌ام شده است. نگاهش می‌کنم و همین‌که دمنوشم را تا آخر می‌خورم، مطمئن می‌شوم تصمیمم درست است. هنوز زل زده توی چشم‌هایم. می‌گوید که از همین چیزهایم خوشش می‌آید، از همین‌که بدون حتی یک سؤال، دمنوشم را تا ته سر کشیده‌ام. می‌خندم و عاشقش می‌شوم.



توی ماشین نشسته‌ایم و او رانندگی می‌کند. هیچ حرفی نمی‌زند. نگرانم، اما نمی‌دانم دقیقاً به خاطر چی. مدام با حلقه‌ام بازی می‌کنم و توی انگشتم می‌چرخانمش. موزیک می‌گذارم، اما بلافاصله میلاد صدایش را کم می‌کند. جوری که اصلاً نمی‌شنوم. ماشین را می‌برد داخل پارکینگ. با آسانسور می‌رویم بالا. بچه، خواب توی بغل میلاد است. همان جوری کلید می‌اندازد و وارد خانه می‌شویم. بچه را می‌برد می‌گذارد توی تختش. می‌روم توی اتاق خوابمان. لباس‌هایم ریخته است روی تخت و چمدان کوچکی روی زمین افتاده. می‌گویم «میلاد…» جلوی آینه ایستاده و دارد لباسش را درمی‌آورد. با اخم نگاهم می‌کند اما حرفی نمی‌زند. بعد از یک هفته این اولین بار است که با اسمش صدایش می‌کنم. سفر بودم و حتی یک‌بار هم تلفن نکرده بودم تا از اوضاع خانه و بچه خبر بگیرم. درواقع قهر کرده بودم. برای سومین بار توی زندگی مشترکمان، دستش را رویم بلند کرده بود و من هم بلافاصله چمدان را برداشته بودم و رفته بودم ویلای شمال. آرمیتا زنگ زده بود که مامان‌نازنین برگرد! می‌خواهیم برویم تولد مامان بزرگ. دیروز برگشته بودم و نمی‌دانستم چطوری می‌توانم باز هم با میلاد زندگی کنم. لباس‌ها را از روی تخت می‌اندازم روی زمین و می‌نشینم. دست‌هایم را می‌گیرم جلوی صورتم و شروع می‌کنم به گریه کردن. بوی سوختن می‌آید.

-

«حالا چشم‌هایت را باز کن!»

دستمال را می‌گیرم جلویش تا اشک‌هایش را پاک کند. سرش را می‌گذارد روی میز و صدای هق هقش بلندتر می‌شود. می‌گویم «گریه نکن، دنیا همینه.» می‌روم بیرون و برایش یک لیوان آب قند می‌آورم. کمی به خودش مسلط شده. لیوان را که می‌گذارم جلویش، می‌چسبد به دستم. «خانم بهار، یک‌بار دیگه بفرستم. بهارخانم جان، تو رو خدا یک‌بار دیگه، هزینه‌ش هر چی باشه مهم نیست. فقط یک‌بار دیگه برم.» می‌گویم که نمی‌شود و قانونم این‌جوری است که بیشتر از یک‌بار برای کسی این کار را نمی‌کنم. دستم را می‌کشد و با گریه اصرار می‌کند. می‌گویم نمی‌شود و همان اول هم پشت تلفن این را بهش گفته‌ام. حتی به خانم ربیعی هم که معرفی‌ش بوده، گفته‌ام که فقط یک‌بار! ولی گریه می‌کند و سرش را به میز می‌کوبد. شانه‌هایش را می‌گیرم و تکیه‌اش می‌دهم به صندلی. نگاهش می‌کنم. ریملش ریخته، چشم‌هایش سرخ شده و دماغش باد کرده است، اما هنوز هم زیباست. می‌گویم ۱۵ دقیقه همین‌جا بنشیند تا برگردم و آن‌وقت تصمیم می‌گیرم که دوباره بفرستمش یا نه. از اتاق می‌روم بیرون و در را رویش قفل می‌کنم. هنوز صدای گریه‌اش می‌آید.

دوش گرفته‌ام. موهایم را لای حوله می‌پیچم و با همان لباس حوله می‌روم داخل اتاق. اشک‌هایش را پاک کرده و زل زده است به روبرو. هنوز چیزی نگفته‌ام که شروع می‌کند به تشکر برای اینکه دوباره حاضر شده‌ام ببرمش آن‌طرف در قرمز. دوباره به گریه می‌افتد. از حرفم منصرف می‌شوم. می‌گویم همین‌جا بنشیند تا برگردم. موزیک را عوض می‌کنم و سریع برمی‌گردم توی اتاق. چشم‌هایش را بسته و کف دستش را گذاشته است روی میز. دستش را می‌گیرم و می‌گویم

نیازمندیهایکانتها

وام
در سه دقیقه
روی سند اتومبیل ، تلفن و ساختمان
فوری هزاری ۱۵ تومان
۸۳۰۸۵۲ ۸۳۲۹۸۶

CERTIFIED HOME SERVICE CLEANING CO
TEL: 754812 - 758496
خام غریز شماره ۱
۷۵۴۸۱۲
۷۵۸۴۹۶
زیرا امریکاییترین خدمت را در ایران ارائه می‌دهیم. بهترین کیفیت، بهترین قیمت و بهترین خدمات را در ایران ارائه می‌دهیم. بهترین خدمات را در ایران ارائه می‌دهیم. بهترین خدمات را در ایران ارائه می‌دهیم.
WHEN IT'S CERTIFIED YOU'RE SATISFIED

مکالمه
با استاد خارجی
ماهانه فقط
۴۵ تومان
سازمان آموزشی خسروی
۷۵۵۹۹۵

کتابهای مورد نیاز خود را
از فروشگاه های
امیرکبیر
بخواهید.

آر. پی. سرویس
انگلیسی
خسکونی
موتو ، فرش ، مبیل ، بپرده
تایل ، پارکت و تشک اتومبیل
در محل مطابق با جدیدترین
تکنیک رابچ در انگلستان
تلفن ۸۳۲۸۵

وی ایکس-۶
آب حیات باطری سلامت انگلستان
تلفن ۸۵۱۹۹۶، ۷۵۶۹۲۵

تعلیم ماشین نویسی فارسی و لاتین
را با متد جدید ده انگشتی در
سازمان آموزش خسروی
فراگیرید
۷۵۵۹۹۵

وام ملک
روی سند اتومبیل . تلفن
۷۵۷۵۳۵
۷۵۷۲۹۴

شرکت سلخورد
بازار تهران تهران خیابان ولیعصر
۶۲۳۲۷۴ و ۶۲۳۲۵۵

مشاوره
خدمات عمومی باورالبرین
شرکت بازرگانی مدرسه
میدان ایران نوین شماره ۲۶
تلفن ۶۲۳۵۹۷
بازار تهران تهران خیابان ولیعصر

گرانیولیت - مابلکسین - جی ۶۱
نمای ساختمان را بادوامتر و زیباتر میکند
بلوار الیزابت بین کاخ و بهلوی شماره ۴۴ تلفن ۴۹۱۶۸

دوراکیلین سرویس
آمریکا
خسکونی سلمان ، مرکب ، فرش
و تشک اتومبیل ، مبیل ، مبیل
آخرین تکنیک متد اول در آمریکا
گزارنده ، تلفن ۸۴۵۶۸۳
۸۴۸۳۹۶ - ۸۴۸۳۹۵
نماینده کی شماره ۳۰۶۰

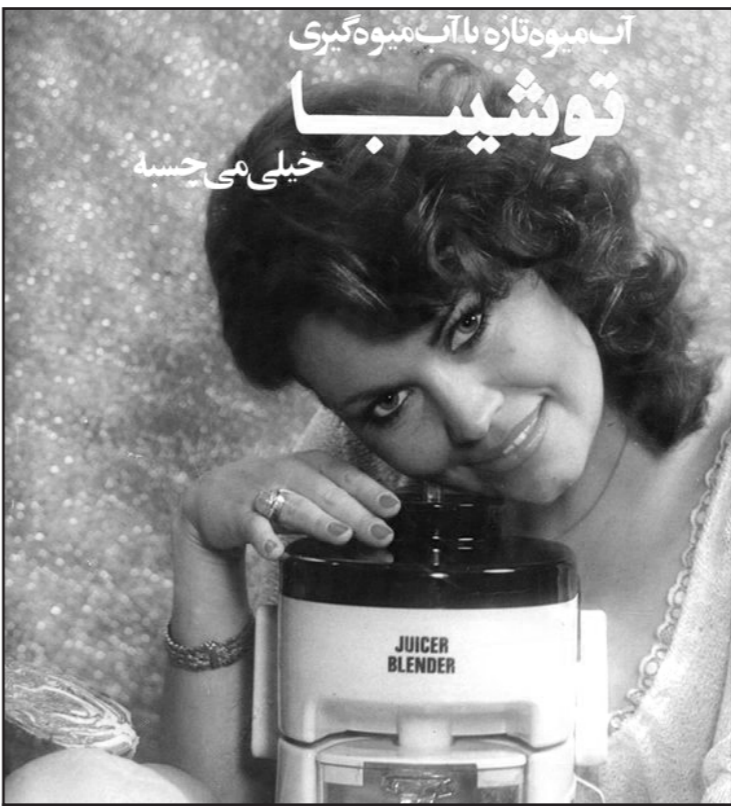
تالار حجه
عالیترین پارچه های پرده ای بادوخت و نصب
مجانی و باقسط حتی
بدون پیش قسط
لوح جنوبی روبروی لپس بنزین تلفن ۸۴۳۷۲۶

فروشگاه ورزشی پیروز
نارمک - انتهای مهر تلفن : ۷۹۶۹۴۲

سازمان خسکونی اویب
تلفن ۶۵۶۵۶۵
میدان مرکب فرش سگت نوبل بزرگ
پارچه های گرانمایه
۹۵۸۹۵۰
۹۵۲۴۵۴

موتو
متری ۲۰ تومان
تلفن ۷۶۰۷۶۳
۷۷۸۷۹۹
۷۷۹۱۱۸

تلفن نیازمندیهای شما
۳۱۰۲۵۱-۶۰ و ۳۱۰۲۰۹
داخلی ۲۹۷



تلویزیون بر جام جهان نما

تلویزیون بزرگ با
تصویر روشن و صدای صاف
تیونر اتوماتیک
ماسک محافظ چشم
کابینت زیبا

تلفن مرکز پیش ۸۹۲۴۵۷



الدورادو

قطک گاز از بهترین مواد و کانی است که شما را برای همیشه در دین میلوینا مصرف کننده جهانی دورادو قرار دهد

خطرناکست

هنگام رانندگی در آینه اتومبیل ، بخود نگاه نکنید

بی با
BIBA COSMETICS
لوازم آرایش
وقتی از لوازم آرایش بی با استفاده میکنید آرایش دلنشین خود مطمئن باشید

تلفن مرکز پیش ۸۹۲۴۵۷

جدول آبنسیره

طراح جدول: مژگان حاجی زادگان



افقی:

۱. اثری از «ایو کلاین» هنرمند فرانسوی، که در آن ظاهراً خودش را از پنجره به بیرون پرت می‌کند ولی در واقع به صورت عکس مونتاژ شده است. این اثر در سال ۱۹۶۰ خلق شد و برخی آن را به دلیل نمایشی بودن، جزء آثار پرفورمنس^۱ به حساب نمی‌آورند، چرا که معتقدند پرفورمنس باید واقعی و مستندگونه باشد.

۴. خالق پرفورمنس‌های «گذشته در حال مستمر است^۲» و «دو تصویر خودآگاهی^۳» که اساس کارهایش مطالعه‌ی رفتار فعال، کنش‌گرا یا غیرفعال و مطیع مخاطبان است. او سعی داشت نقش پرفورمر فعال و مخاطب غیرفعال را در یک شخص ترکیب کند، از این رو از آینه و تجهیزات ویدئویی در آثارش استفاده می‌کرد و به این وسیله به پرفورمرها اجازه می‌داد به عنوان تماشاگر، ناظر عملکرد خودشان باشند.

۶. خالق موسیقی سکوتی به نام «چهار دقیقه و سی و سه ثانیه» که تجربیات مینیمالیستی در نقاشی و موسیقی داشت. وی جزء هنرمندانی بود که در کالج کوهستان سیاه، محل تولد سبک آوانگارد آمریکایی، فعالیت می‌کردند و آثار هنری بدون عنوانی خلق می‌کردند که از نمونه‌های هپنینگ^۵ بودند و با مشارکت مخاطبان و بداهه‌پردازی همراه می‌شدند.

۹. نام ماده‌ای مخدر و همچنین نام پرفورمنسی از «هلموت شویر^۶» در سال ۱۹۷۷ که با اجرای آن قصد داشت بگوید که آزادی نه فقط از راه اندیشه، بلکه گاه از راه بدن محقق می‌شود.

۱۳. یک تریلیون

۱۴. پرفورمنسی از «مارینا آبراموویچ^۷» و «ولای^۸» که در آن موهایشان را به هم بسته بودند.

۱۵. هنرمند فرانسوی که رهبر جنبش نئورئالیسم و همچنین پیشگام در توسعه‌ی هنر اجرا و هنر مینیمال و هنر پاپ بود. نقاشی‌هایش شبیه پنجره‌ی زندان، به صورت مونوکروم و گاهی حتی نامرئی بودند. او با کار کردن بر روی مدل‌های زنده دریافت که فقط می‌تواند با این مدل‌ها نقاشی کند، بنابراین استودیویش

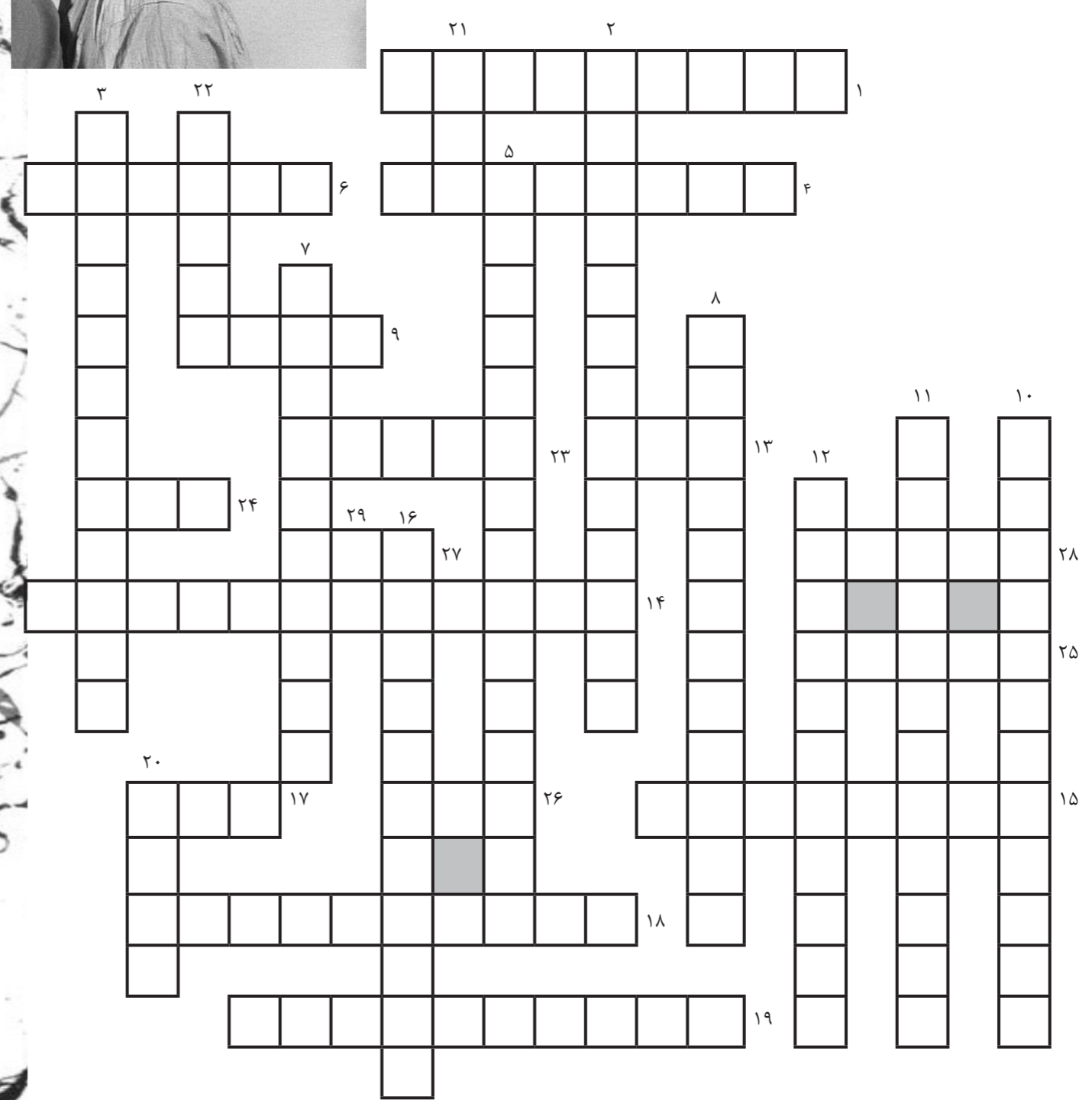
را از نقاشی‌های قبلی‌اش خالی کرد و مدل‌های عریان را به رنگ آبی آغشته کرده و توسط آنها اشکالی را بر روی بوم می‌کشید. او از بدن برهنه‌ی زنان به مثابه‌ی برس‌های زنده استفاده می‌کرد و خودش تنها یک هدایت‌کننده بود و هیچ‌گونه تماسی با زن‌ها و بوم نداشت. در برخی از اجراها بدن زنان رنگ می‌شد و با غلت زدن روی بوم رنگ آبی ثبت می‌شد و در برخی دیگر زنان به تابلوها می‌چسبیدند و با اسپری دور آن‌ها رنگ می‌شد. این تجربیات، همیشه در برابر تماشاگران و با همراهی یک ارکستر موسیقی که یک سمفونی با یک نت واحد را می‌نواخت، صورت می‌پذیرفت. «رویداد انسان‌نگاری دوران آبی» که در سال ۱۹۶۰ همراه با یک قطعه‌ی موسیقی مونتون به‌طور زنده اجرا شد، یکی از معروف‌ترین نمونه‌های این ژانر است. تابلوهای خلق شده در این اجراها، با عنوان کلی Ant، برگرفته از ابتدای کلمه‌ی «انتروپومتری» به نمایش درآمده‌اند. تکه‌های پراکنده‌ای که از تماس‌های متناوب بدن با سطح تابلو پدید آمده‌اند، مشابه سطوح کوبیستی و یادآور تابلوی «برهنه در حال پایین آمدن از پله‌ها» اثر مارسل دوشان هستند که پیکره زن را در تجزیه سطوح مختلف به تصویر کشیده‌است.

۱۷. پرفورمنسی از «یوکو اونو^۹» که در آن منفعل نشسته بود و مخاطبان لباسش را پاره می‌کردند. او در این اثر به تجاوز و خشونت علیه زنان اشاره داشت.

۱۸. خالق اثر «تعقیب^{۱۱}» که طی آن افرادی را در خیابان تا رسیدن به مقصد تعقیب می‌کرد. او به حضور مخاطب در اثر و تعامل هنرمند و مخاطب در طول اثر هنری علاقه داشت. پرفورمنس‌های «راز گفتن^{۱۲}» و «تصاویر^{۱۳}» نیز از دیگر آثار او هستند.

۱۹. او با پاشیدن رنگ روی بوم، اثری کاملاً اتفاقی خلق می‌کرد و در نهایت چیزی که بر روی بوم شکل می‌گرفت تصویر نبود.

۱. YVES KLEIN
۲. PERFORMANCE ART
۳. PRESENT CONTINUOUS PAST(S)
۴. TWO CONSCIOUSNESS PROJECTIONS
۵. HAPPENING
۶. HELMUT SCHOBER
۷. LIVE PAINTING
۸. MARINA ABRAMOVICH
۹. ULAY
۱۰. YOKO ONO
۱۱. FOLLOWING PIECE
۱۲. TELLING SECRET
۱۳. PHOTO PIECE
۱۴. THOMAS MCEVILLEY
۱۵. TEHCHING HSIEH
۱۶. ROPE PIECE
۱۷. FRANKLIN FURNACE
۱۸. TOMAS RULLER
۱۹. WAITING
۲۰. JOHN LENNON
۲۱. NOISE MUSIC
۲۲. ROBERT SMITHSON
۲۳. LAND ART
۲۴. CHRIS BURDEN



بلکه رویدادی بود که از رویارویی هنرمند با اثر سرچشمه می‌گرفت. کسانی مانند توماس مک‌اویلی^۴، منتقد آمریکایی معتقدند که هنر پرفورمنس از تاریخ نقاشی و در پی نقاشی کنشی این هنرمند قدرتش را به دست آورد.

۲۳. مجسمه‌ی معروف یوستیتیا آن را در دست راست دارد که نماد عدالت است.

۲۴. آخرین پرفورمنس مشترک «آبراموویچ» و «ولای» به نام عشاق، در این کشور اجرا شد.

۲۵. شتاب‌زدگی

۲۶. امپراطوری چین در زمان میلاد مسیح که راه ابریشم نیز در دوره‌ی همین امپراطوری ایجاد شد.

۲۷. هم به معنی خساست است و هم به معنی حسادت.

۲۸. نام روسپی آتنی که در زمان اسکندر مقدونی می‌زیست و در لشکرکشی‌های اسکندر با او همراهی می‌کرد. عمده‌ی شهرت او به‌واسطه‌ی نقشش در تحریک اسکندر در واقعه‌ی به آتش کشیدن تخت جمشید است.

عمودی:

۲. پرفورمنسی از «مارینا آبراموویچ» که به عقیده‌ی او به دلیل مدت زمان طولانی‌اش توهم زمان را از بین می‌برد. در این پرفورمنس که در سال ۲۰۱۰ در موزه‌ی مدرن نیویورک برگزار شد، مخاطبان تا هر مدت زمانی که می‌خواستند می‌توانستند مقابل آبراموویچ بنشینند و او نیز تمام مدت بی‌حرکت و بدون تغییر دادن صورت و یا ترک جایش در آنجا می‌نشست.

۳. هنرمند آمریکایی که با «تچینگ هسه^{۱۵}» در پرفورمنس «طناب^{۱۶}» به مدت یک سال همکاری داشت. او در سال ۱۹۸۶ موفق به دریافت اولین جایزه‌ی هنرهای نمایشی فرانکلین فارنس^{۱۷} شد.

۵. پرفورمنسی از «توماس رولر^{۱۸}» هنرمند اهل چک که به سرکوب‌های سیاسی دوران پیش از انقلاب مخملی و تهاجم روس‌ها در سال ۱۹۶۸ اشاره داشت. رولر به دلیل اجرای این پرفورمنس محاکمه شد. وکیلش در دادگاه برای دفاع از او از اصطلاح «هنر پرفورمنس» استفاده کرد و آن را به عنوان هنری با محتوای سیاسی، به جای اعتراض سیاسی تعریف کرد.

۷. پرفورمنس فمنیستی «صبر کردن^{۱۹}» توسط این هنرمند اهل پاراگوئه اجرا شد.

۸. نام گروهی فمنیستی که با گذاشتن ماسک گوریل بر صورتشان، به سلطه‌ی مردان بر دنیای هنر و تبعیض جنسیتی اعتراض می‌کنند. آنها برای رساندن پیام‌های خود از پوستر، بیلبرد، آگهی روی بدنه‌ی اتوبوس‌ها، بخش آگهی مجلات و… استفاده می‌کنند.

۱۰. اجرایی مشترک از «یوکو اونو» و «جان لنون^{۲۰}» در سال ۱۹۶۹ که شکلی از اعتراض و بیانیه‌ای علیه جنگ بود. این زوج در طول این اثر که بخشی از ماه عسلشان بود، دو هفته بر روی تخت نشستند.

۱۱. این هنرمند در سال ۱۹۱۳ پرفورمنسی به نام «موسیقی پر سر و

صدا^{۲۱}» را توسط شانزده وسیله‌ی تولید صدا که خودش ساخته بود، اجرا کرد.

۱۲. اثر معروف «رابرت اسمیتسون^{۲۲}» هنرمند و مجسمه‌ساز آمریکایی،

که مهمترین اثر در زمینه‌ی «هنر زمینی^{۲۳}» محسوب می‌شود.

۱۶. پرفورمنسی از «مارینا آبراموویچ» که به پاکسازی قومی در جنگ صربستان اشاره داشت و در آن از چیدمانی از استخوان‌های گاو استفاده شده بود که او در تمام مدت بر روی آنها نشسته و آنها را می‌شست. این پرفورمنس که در سال ۱۹۹۷ در ونیز اجرا شد، جایزه‌ی شیر طلایی دوسالانه‌ی ونیز را به خود اختصاص داد.

۲۰. اثری از «کریس بردن^{۲۴}»، هنرمندی که در بسیاری از آثارش خودش را در معرض خطر قرار می‌داد و موقعیت‌های سختی برای مخاطبانش ایجاد می‌کرد. او در این اثر که یکی از خشونت‌آمیزترین پرفورمنس‌هایش بود، جلوی دیواری می‌ایستاد و همکاریش در مقابل چشم مخاطبان به دست او شلیک می‌کرد.

۲۱. نام یک تصویر استاندارد تست که از مجله‌ی پلی‌بوی برگرفته شده و عکسی از لنا سودربرگ، یک مدل سوئدی است که برای شماره‌ی نوامبر ۱۹۷۲ برهنه ظاهر شد. این عکس به احتمال زیاد، پرکاربردترین تصویر تست برای انواع مختلف الگوریتم‌های پردازش تصویر (مانند فشرده‌سازی و حذف نویز) و پردازش‌های وابسته است
۲۲. برجی مدوّر که یکی از اجزای معماری اسلامی است و بیشتر در مساجد به کار می‌رود. ساخت این نوع برج‌ها هم‌اکنون در سوییس ممنوع است. در گذشته گاهی این برج را از جمجمه‌ی سر انسان‌ها به عنوان نماد پیروزی می‌ساختند.

۲۹. آن خطاط سه گونه می‌نوشتی.

مجسمه‌ساز آمریکایی، اثر رابرت اسمیتسون، ۱۹۶۹

- در طراحی این جدول از کتاب «هنر پرفورمنس» تألیف محمدرضا شریف‌زاده و بهاره کامیابی استفاده شده است.



Jackson Pollock

چلیک‌های شکسته

علیرضا حسینی

از کتاب **«شکست روایت»**

شیرین، شتاب کن

تا انتهای این ماراتن راهی نمانده است

شیرین

بسیار سخت است

دویدن و دیدن

دویدن و بوسیدن

و مرگ را

در مسافتی طولانی

دست به دست گرداندن

من اما بدهکارم

به خاک و هوا

به آب و درخت

به سیاره‌ای که آن را سنگین کرده‌ام

به دست‌هایی که خوشبختی را

روی آخرین برگ شناسنامه‌ام

تصویر می‌کنند

به اسب‌های رها شده در طوفان

و بارانی که اکنون در کوچه می‌بارد

شیرین، شیرین

من سیصد قرن بدهکاری را

یکجا بالا آورده‌ام

اما خیالت تخت

همه را خواهم پرداخت

چون هنوز می‌درخشد

آخرین نشانه‌ی من

بر روی لب‌هایم

می‌خواستی چه باشد؟

لابد سبیل است این

ته‌مانده‌ی یک تاریخ

دلسینا، دلسینا

من خاکستر کتاب‌ها و استخوان مردگانم را

با خود آورده‌ام

شیرین

یک شب در حال دویدن

کولی دوره‌گردی از من پرسید:

این چیست کنج لب‌هایت؟

گفتم: می‌خواستی چه باشد؟

لابد نی‌لبک است این

گلوی یک تاریخ

خندید و گفت: چه تاریخ کوچکی!

شیرین

و من با اندوه

نی‌لبکم را نواختم

از هفت سوراخ هفت بندش

فورانِ نور بیرون زد

لیزر؟

: لیزر؟

نه! فورانِ نیلیِ اندوه

و او با شرمساری راهش را گرفت و رفت

چه فکر کرده‌ای شیرین؟

مگر می‌گذارم که تو چون کولی‌ها

در اطراف دهکده‌ی جهانی بچرخ‌ی

با نی‌لبکی بر لب

دلسینا، دلسینا

- دلسینا، دلسینا

دوباره خون من غلیظ شده است

و خروسخوان خواهم زد

به قلب ربات‌ها و کامپیوترها

شیرین

شیرین

سروانتس را در اجتماع سبزه‌ها دیده‌اند

می‌گویند گفته است

این راکتورهای اتمی اصلاً شبیه آسیاب‌های بادی نیست

می‌بینی چگونه پای می‌کوبند روی چلیک‌های شکسته؟!

سانچو، سانچو

- سانچو، سانچو

من یه تیکه ابر لازم دارم

یه تیکه ابرِ پسامدرن

واسه شستن این همه ردّ پا

شیرین، شتاب کن

شیرین، شتاب کن

تا گورستان راهی نمانده است

شتاب کن

اینجا محل توقف نیست

شیرین

شیرین

جوانه‌های امید

بی‌سپر می‌رویند

و من از داس‌های فلسفه می‌ترسم



پیکان ۵۸ در نمایشگاه بین المللی تهران

از مدل‌های مختلف جدید پیکان در غرفه ایران ناسیونال در ششمین نمایشگاه بین‌المللی تهران بازدید فرمائید. پیکان ۵۸ با تغییرات چشم‌گیری در قسمت‌های جلو و عقب اتومبیل و در داخل آن با تغییرات کامل داشبورد و فرمان و صندلی‌ها عرضه خواهد شد.



پیکان جدید ۵۸

* ۶۵ درصد از یک پیکان در داخل کشور ساخته میشود.